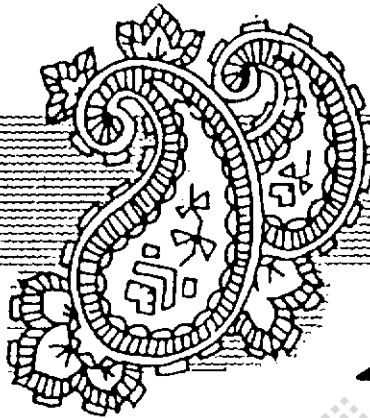


دکتر محسن ایمانی

جایگاه و نقش خانواده



در انتخاب همسر

مقدمه

خواستگاری آنها بیایند و نیازهای گوناگونی آنان را با یکدیگر پیوند می دهد. ارضای نیازهای غریزی در چهارچوب قوانین شرعی و اجتماعی، یکی از ضرورت‌های ازدواج است. ایفای نقش والدینی را می توان از جمله چنین ضرورت‌ها دانست. به هر حال خواستگاری به منزله اولین گام مهمی است که فرد در خانواده جهت یاب^۱ (خانواده‌ای که فرد در آن رشد می کند) برای تشکیل خانواده فرزند یاب^۲ بر می دارد.^۳

شروع خواستگاری

وقتی که پسری قصد ازدواج دارد، آن را باید با خانواده مطرح کند و اگر او در سنین مقتضی در این باره سخنی به میان نیاورد، خانواده باید خود موضوع را با فرزند خویش در میان بگذارد و پس از بیان ضرورت ازدواج و ارائه دلایل کافی برای آن، وی را برای ازدواج آماده و

خواستگاری به عنوان یک سنت اجتماعی همواره در جامعه ما مطرح بوده است و بر آن سودمندیهایی نیز مترتب می باشد. اما اخیراً در بعضی از موارد شاهدیم که برخی در موقع مناسب و مقتضی بدان توجه نمی کنند. این بی توجهی، مشکلاتی بر سر راه جوانان پدید آورده است که یارای دسته و پنجه نرم کردن با آنها را ندارند و لذا مشکلات ناشی از انتخابهای فردی آنان را می آزارد. از این رو بر آن شدیم که به نگارش مقاله‌ای در خصوص انتخاب همسر به همراهی خانواده پرداخته، با فواید آن آشنا شویم و با دادن آگاهی به جوانان این مرز و بوم اسلامی، به پایداری هر چه بیشتر زندگانی آنان مساعدت نماییم.

ضرورت خواستگاری

دختران علاقه مند هستند که پسران به

امروزه دنیا، دنیای اطلاعات است و یکی از رموز موفقیت در همه کارها داشتن اطلاعاتی دقیق و قوی است. حتی یکی از خدمات راهنمایی^۴ را خدمت اطلاعاتی می‌گویند. یعنی باید به مراجع اطلاعاتی کافی و مناسب داد تا به هنگام انتخاب شغل، رشته تحصیلی و نیز در موقع گزینش همسر دچار مشکل نشود. به همین دلیل خوبست که دختران و پسران جوان قبل از اقدام به خواستگاری و ازدواج تحت راهنمایی قرار بگیرند که به آن راهنمایی قبل از ازدواج^۵ می‌گویند و معروف است که می‌گویند کسانی که قبل از ازدواج راهنمایی شده‌اند، بعد از ازدواج نیاز کمتری به مشاوره دارند، یعنی اینکه در زندگانی مشکلات کمتری خواهند داشت که نیاز به مشاوره داشته باشد.

فواید خواستگاری

۱- امکان کسب اطلاعات بیشتر:

وقتی که جمعی از افراد خانواده به خواستگاری دختری می‌روند و جمعی نیز در خانواده دختر پذیرای آنان می‌شوند، حضور جمعی، امکان دست یافتن به اطلاعات بیشتری را میسر می‌کند، زیرا هر کس می‌تواند در حد خود شناختی از طرف مقابل پیدا کند و هر اندازه شناخت از خانواده طرف مقابل بیشتر باشد، تصمیم‌گیری دقیق‌تر خواهد بود، و هر قدر افراد حاضر از پختگی و فرهیختگی بالاتری برخوردار باشند، انتخاب بهتری صورت می‌گیرد. در حالی که وقتی انتخاب توسط دو نفر (یک دختر و یک پسر) انجام می‌شود، به دلیل سن و سال کمتر و نداشتن تجربه کافی، امکان دست یافتن به شناختی جامع از دیگری مسیر نیست و نبودن چنین امکانی، منجر به اخذ تصمیمی غلط و عجولانه می‌گردد و یا لاقابل در موارد قابل ملاحظه‌ای این‌گونه خواهد بود.

۲- بهره‌مندی از ارزیابی جمعی:

هنگامی که گروهی به خواستگاری می‌رود، هر یک از افراد گروه به بررسی و ارزیابی خانواده طرف مقابل می‌پردازد و هر کس در حد توان خویش به میزانی از شناخت نسبت به خانواده میزبان دست می‌یابد. طبعاً خانواده دختر نیز می‌تواند از مواهب ارزشیابی نسبت به خانواده پسر برخوردار باشد. ارزیابی جمعی، از حساسیت و دقت بیشتری برخوردار است. در این حالت دو خانواده بهتر به هم طرازی و یا ناهم طرازی خود با خانواده دیگری می‌برند و معمولاً اگر هم طرازی بین دو خانواده وجود داشته باشد، امکان پایداری زندگی مشترک بیشتر است. بسرخوردهای ناهمگون و نامتناسس بین اعضای دو خانواده و وجود آداب و رسوم غیرقابل تحمل و یا عقاید ناهم‌رنگ و متفاوت و به عبارت دیگر وجود تفاوت‌های بارز

فرهنگی در دو خانواده، نشانه ناهم طرازی است، و پیوند دو خانواده ناهم طراز، از استمرار و تداوم کمتری برخوردار است.

آنچه باید در جلسه خواستگاری صورت گیرد، علاوه بر بررسی وضعیت خانواده، ارزیابی وضعیت دختر و پسر است، تا آن دو نیز از شباهت و همگونی برخوردار باشند و حاصل ارزیابی باید حکایت از شباهت‌ها داشته باشد. طبعاً ارزیابی جمعی بهتر از ارزیابی فردی است و آنجا که دختر و پسر به تنهایی مبادرت به انتخاب همسر می‌کنند، خود را از نعمت ارزیابی جمعی محروم می‌سازند و لذا انتخاب وقتی که به تنهایی صورت می‌گیرد، طبعاً می‌تواند ایرادهای بیشتری داشته باشد. لذا برای دست یافتن به همسری با ایرادهای کمتر، می‌توان از انتخاب به همراه جمع خانواده بهره جست. شایان ذکر است که در دنیا بسیاری از انتخابهای مهم، نظیر انتخابات ریاست جمهوری به صورت جمعی و با مشارکت فعال مردم صورت می‌گیرد، زیرا جمع گسترده‌تر معمولاً انتخابی بهتر را صورت می‌دهد. به لحاظ اهمیت امر ازدواج، بهتر است که در اینجا نیز به نقش و اهمیت جمع در انتخاب توجه بیشتری بنماییم.

آنچه در ارزیابی جمعی مهم تلقی می‌شود این است که اطلاعات دریافت شده قبلی (قبل از رفتن به خواستگاری) نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، و بدین ترتیب به صحت و سقم آنها بهتر می‌توان پی برد، در حالی که در انتخابهای فردی چنین امکانی کمتر وجود دارد.

۳- امکان بحث و تبادل نظر بیشتر:

وقتی که انتخاب همسر را امری تلقی نمایند

که باید جمعی صورت گیرد - یعنی در آن به نظریات افراد خانواده ارزش نهاده شود - در این صورت امکان بحث و تبادل نظر به گونه‌ای وسیع‌تر میسر می‌گردد. مثلاً پسر می‌تواند از نظریات مادر، خواهران، خاله و دیگران بهره جوید و بدین ترتیب اندیشه‌ها و افکاری که از سوی هر یک از بستگان ارائه می‌شود، او را به دست یافتن به نگرشی جامع در مورد همسر هدایت می‌کند، زیرا هر یک از همراهان وی فرد مورد خواستگاری را از زاویه‌ای خاص مورد بررسی قرار می‌دهد و با گزارش یافته‌های خویش به افزایش بینش پسر در مورد دختر مساعدت می‌کند و طبیعی است که فردی با داشتن بینش بهتر، به انتخابی دقیق‌تر دست می‌یازد. حال آنکه وقتی انتخاب به صورت فردی صورت می‌گیرد، فرد انتخابگر خود را از دست یافتن به چنین امکاناتی محروم می‌نماید و با وجود چنین محرومیتی، امکان انتخابی بهینه کاهش می‌یابد.

گفتنی است که به هنگام بحث و تبادل نظر باید با اتکای به منطق و گفت‌وگوهای مستدل پیش رفت و نه بر اساس سلیقه‌های بدون منطق. نتیجه آنکه در این گونه انتخابهای جمعی، امکان مشورت بیشتری وجود دارد و در صورت مشورت کردن، از امکان بروز خطاها کاسته می‌گردد، زیرا با مشورت عقل آدمی قوت بیشتری پیدا می‌کند و به تعبیر مولوی: "عقل قوت گیرد از عقل دگر".

حسن دیگر تبادل نظرها و مشورتها این است که وجود نظریات مشابه در میان جمع می‌تواند از صحت آنها حکایت کند. مثلاً اگر همه ایرادی مشابه را مطرح کردند، ضریب اطمینان فرد در پذیرش چنین نظریاتی افزایش

بر می آیند. اما حضور به همراه جمع - به خصوص اگر اعضای خانواده افرادی مطلع و آگاه باشند - امکان پی بردن به برخی از اختلالات روانی را افزایش می دهد.

مثلاً وقتی که جمعی به خواستگاری فردی می روند و در آنجا نیز جمعی حضور دارند، طرفین از امکان بهتری برای ارزیابی هوشمندی یکدیگر برخوردار می شوند، حال آنکه در انتخابهای فردی چنین امکانی کمتر وجود دارد. بزرگترها با تیکها آشنایی بیشتری دارند، حال آنکه ممکن است جوانان آشنایی کمتری با این امر داشته باشند و در برخورد اول نتوانند آن را شناسایی کنند. اما ممکن است عدم آگاهی جوان به هنگام انتخاب همسر نسبت به تیک و آشنایی او پس از انتخاب و انجام ازدواج در زندگی خانوادگی مشکل آفرین بشود. همچنین بزرگترها ممکن است با اختلالات شایع روانی آشنایی بیشتری داشته باشند، مثلاً در برخورد با خواستگار افسرده ممکن است به راحتی او را بشناسند و قبل از درمان او، از ایجاد پیوند، ممانعت به عمل آورند، در حالی که دختر جوان ممکن است آن را نوعی غمیگینی ساده تلقی کند و از بیماری افسردگی غافل باشد. این امر در مورد مشکلات دیگر نیز صادق است.

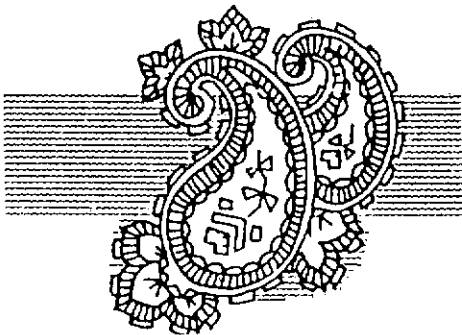
روزی دانشجویی، خواستگار خود را به

می یابد؛ حال آنکه در انتخابهایی که گاه توسط خود جوانان و به تنهایی صورت می گیرد، ممکن است آنها هرگز به این گونه امور توجه کافی نکنند.

۴- پذیرش نظریات جمع و پی آمدهای مثبت آن: به طور معمول دیده می شود که افراد به هنگام پذیرش و قبول نظریات دیگران، به نظریات جمع که از پختگی بیشتری برخوردار است توجه بیشتری می کنند، زیرا آن را نظری صائب تر می دانند و وقتی که جمعی برای انتخاب، نظری ارائه می کند، مشارکت بیشتری برای تحقق نظر عرضه شده به عمل می آورند. بدین ترتیب امر ازدواج سهل تر صورت می گیرد، میزان مخالفت ها کمتر می شود و اگر خدای ناخواسته طلاق اتفاق بیفتد، خانواده و جمع، خود را مسؤولتر می بینند و لذا با مسؤولیت بیشتری هم برخورد می کنند. حال آنکه وقتی انتخاب صرفاً با توافق دو فرد و بدون توجه به نظریات خانواده ها صورت می پذیرد، مساعدتها کمتر و مخالفت ها بیشتر است و گاه مخالفت ها به قدری شدید است که تداوم حیات خانواده را در معرض تهدید و ناپایداری قرار می دهد که گاه نتیجه آن چیزی جز طلاق نیست.

۵- امکان کمتر برای شناخت اختلالات روانی فرد و مشکلات دیگر او:

گاه دیده می شود که پسر و دختر جوانی بدون داشتن شناخت و تجربه کافی مبادرت به انتخاب همسری کرده اند که او مبتلا به نوعی اختلال روانی است و پس از انجام ازدواج متوجه آن شده و درصدد رها کردن همسر خود



مرکز مشاوره آورد و اظهار داشت که ما می‌خواهیم با هم ازدواج کنیم و قرار و مدار عقد را نیز گذاشته‌ایم. می‌خواهیم ضمن برخورداری از راهنمایی قبل از ازدواج، در صورتی که مشکلی در ما می‌بینید، برای طرف مقابل بیان کنید. پس از اینکه صحبت آقا را شنیدم، دیدم که او مبتلا به لکنت زبان است. وقتی که ایشان از اطاق مشاوره بیرون رفت، از خانم پرسیدم: نظر شما راجع به لکنت زبان این آقا چیست؟ او با تعجب پرسید: مگر لکنت دارد؟ گفتم بلی. با حضور مجدد آقا در اطاق مشاوره موضوع را با وی در میان گذاشتم و ایشان گفت: بله در کودکی لکنت زبان من شدیدتر بود و رفته رفته از میزان آن کاسته شده، اما این مقدار خفیف همچنان باقی است. آن خانم به من گفت: این مقدار لکنت ایشان برایم نگران کننده نیست و من می‌توانم آن را تحمل کنم و بعد گفت تعجبم در این است که چه طور من در جلسات متعددی که ایشان در خانه ما حضور پیدا کردند، این مشکل را در نیافته بودم. به هر حال تأمل بیشتر اعضای خانواده، گاه می‌تواند به شناخت بیشتر مشکلات طرف مقابل کمک کند و فرد در این صورت آگاهانه‌تر تصمیم می‌گیرد.

۶- وحدت و انسجام بیشتر خانوادگی:

حضور اعضای خانواده در امر انتخاب همسر، هم حکایت از وحدت و انسجام خانواده دارد و هم به حفظ وحدت خانواده در آینده کمک می‌کند و این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که خواستگاری از دختر، به روش متداول صورت پذیرد. در این حالت امکان پذیرش بهتر عضو جدید خانواده میسر می‌شود

و وقتی که جمع حاضر دختری را به عنوان عروس خانواده می‌پذیرد و افراد حاضر در جمع، با یکدیگر هماهنگی دارند، این امر حکایت از آن دارد که دختر مورد انتخاب نیز با آنان هماهنگ است و هر قدر همگونی‌ها و هماهنگی‌ها بیشتر باشد، قدرت انسجام خانوادگی را افزوتر می‌نماید و این خود رمز پایداری زندگی مشترک زوجین جوان است. وجود نظامهای هماهنگ و منسجم امکان دستیابی به اهداف را تسریع کرده، زندگانی را لذت بخش می‌کند. خانواده یک نظام اجتماعی^۷ است و نظامها مجموعه‌ای از اجزا هستند که با یکدیگر هدف مشترکی را دنبال می‌نمایند، لذا خانواده‌ای هماهنگ و همگون نظامی پایداتر را شکل می‌بخشد که زن و شوهر از مواهب آن برخوردار می‌شوند و داشتن رضایت از زندگانی و دست یافتن به نعمت سازگاری از جمله این موهبت‌ها به شما می‌آیند.

شایان ذکر است که وقتی انتخابها فقط توسط دو نفر (یعنی دختر و پسر) صورت می‌گیرد و در آن به نظریات والدین و دیگر اعضای خانواده وقتی نمی‌نهند، قطعاً هماهنگی و همنوایی کمتری دیده می‌شود و این امر در بسیاری از موارد، به عنوان مانعی بر سر راه تحقق وحدت و انسجام خانواده تلقی می‌شود. عدم انسجام در خانواده، موجبات تزلزل آن را فراهم می‌کند و ناهمنوایی‌ها مسأله آفرین می‌شود که معمولاً غالب اصطکاک‌ها در خانواده ناشی از آن است. پس اگر به دنبال آن هستیم که زندگی فرزندان جوان ما از برخورد و درگیری به دور باشد، باید ترتیبی اتخاذ کنیم که آنان اهمیت انتخاب همسر با هماهنگی خانواده را دریابند و برای حفظ وحدت خانوادگی تلاش

برای پاسخگویی به سؤالات در نظر گرفتم که سؤالات متعددی هم مطرح شد. یکی از دانشجویان پرسید: "مدتی قبل نامه‌ای برای دختری نوشتم و تقاضای ازدواج کردم، ولی مدتها می‌گذرد و جوابی دریافت نکرده‌ام." به او گفتم که در فرهنگ ما سنت‌ها و هنجارهایی وجود دارد که باید به آن توجه می‌کردید، مثلاً سنت حاکم بر فرهنگ ما که برای ازدواج آن را مراعات می‌کنند، سنت خواستگاری است و چون از آن طریق اقدام نکرده‌اید جوابی مثبت یا منفی دریافت ننموده‌اید. وقتی که آن دختر به مادرش بگوید چنین نامه‌ای برایم نوشته شده است، مادر می‌گوید: "آن را دور بینداز، زیرا اگر تو را می‌خواست به خواستگاری‌ات می‌آمد و تو نباید به این نامه‌ها دلخوش داری."

پس هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد و خواهان ازدواج نیز، باید به خواستگاری برود. نتیجه آنکه وقتی جمعی بزرگ و محترم و مسن به همراه جوانی از دختر خواستگاری می‌کنند، دختر بیشتر احساس ارزش می‌کند تا هنگامی که دختری می‌خواهد در کوچه پس کوچه‌های شهر به خواست عجلانۀ جوانی که در سنین خامی^۱ است پاسخ بدهد.

میان ماه من تا ماه گـردون
تفاوت از زمین تا آسمان است
سنت خواستگاری علاوه بر آنکه سنتی فرهنگی است، سنتی دینی نیز هست و به عنوان نمونه می‌توان از خواستگاری علی (ع) از حضرت فاطمه (س) و ام‌البنین سخن به میان آورد. پس خواستگاری، هم به لحاظ فرهنگی و هم از جهت دینی مهم تلقی می‌شود و علاوه بر آن موجبات سرفرازی و احساس ارزش بیشتر را برای دختران فراهم می‌آورد.

نمایند و این هم تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه از راهنمایی قبل از ازدواج برخوردار باشند که والدین می‌توانند آنان را در این جهت سوق دهند و با معرفی جوانان به مراکز مربوط، ترتیبی اتخاذ کنند که جوانان به اطلاعات لازم دست یابند.

۷- احساس ارزشمندی بیشتر از سوی دختر و خانواده او:

وقتی که جمعی از افراد خانواده که در بین آنان بزرگترهای خانواده نیز حضور دارند، به خواستگاری دختری می‌روند و برای او نیز دسته گلی تدارک می‌بینند، دختر و خانواده او احساس ارزشمندی بیشتری می‌کنند تا آن وقتی که این خواست‌ها در کوچه و خیابان مطرح می‌شود.

روزی خانمی که برای مشاوره، به مرکز مشاورۀ دانشگاه علامۀ طباطبایی آمده بود، در جلسۀ مشاوره به من گفت: "آقای در وسط کوچه جلوی مرا گرفت و گفت: "شما همان خانمی هستید که مدتی قبل همسر خود را از دست دادید؟! من می‌خواستم راجع به مسأله ازدواج با شما صحبت کنم و ببینم که شما آمادگی ازدواج با مرا دارید؟" و من به او گفتم: "به نظر شما برای طرح مسأله‌ای به این مهمی، "کوچه" جای مناسبی است؟"

به نظر من کسانی که این مسائل را در کوچه و خیابان مطرح می‌کنند، به عمق و اهمیت این موضوع پی نبرده‌اند. در اینجا به خاطره‌ای اشاره می‌کنم که در سال گذشته اتفاق افتاد. شب هنگام بود که در جمع دانشجویان یکی از دانشگاه‌ها که در سالن اجتماعات گردهم آمده بودند، سخنرانی داشتم و در پایان هم فرصتی

طرف مقابل وجود ندارد.

۹- فراهم شدن زمینه مناسب‌تر برای تحقیق :

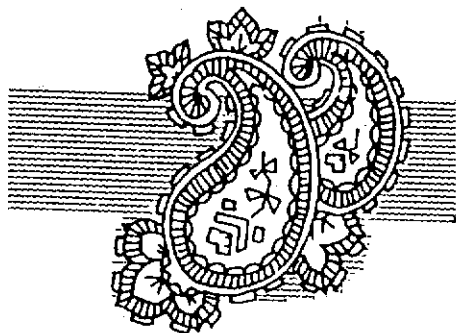
وقتی که خواستگاری به صورت رسمی صورت می‌گیرد، امکان بهتری برای انجام تحقیق فراهم می‌شود. یعنی دو خانواده می‌توانند با مراجعه به محل زندگانی، محل تحصیل و مؤسسه‌ای که فرد در آن اشتغال دارد، در مورد وی تحقیق کنند و بدین ترتیب امکان دست یافتن به اطلاعاتی دقیق‌تر میسر می‌گردد، زیرا منابع تحقیق متعدد می‌باشد، و اگر داده‌ها و اطلاعاتی که به دست می‌آیند، با یکدیگر همخوانی و تطابق داشته باشند، احتمال صحت آنها بیشتر می‌گردد. با کسب این نوع آگاهی‌ها، دو خانواده در مسیر روشنگری گام می‌نهند و این متفاوت است با وقتی که هر دو خانواده در ورطه‌ای سراسر آکنده از ابهام قدم می‌گذارند. آنگاه که دو نفر به انتخاب یکدیگر در کوچه و خیابان می‌پردازند، و خانواده را در برابر عمل انجام شده قرار می‌دهند که الّا و لابد باید به همین انتخاب تن در بدهید، کجا فرصت چنین بررسی‌هایی وجود دارد؟ و حتی در صورت بررسی و تحقیق از سوی خانواده و ارائه گزارش مبنی بر عدم صلاحیت فرد مورد انتخاب، دلبستگی‌های بوجود آمده بین آن دو و

۸- امکان بررسی بیشتر دو خانواده توسط یکدیگر و ارزیابی میزان تطبیق و تطابق :

وقتی خانواده‌ای به دیدار خانواده‌ای دیگر می‌رود و مسأله خواستگاری را مطرح می‌کند، ضمن آنکه طرفین یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، دو خانواده هم علاوه بر ارزیابی دختر و پسر این امر را در مورد خانواده طرف مقابل نیز تسری می‌بخشند و حسن این‌گونه ارزیابی‌ها در این است که یک خانواده به وجود تجانس و تشابه بین خود و خانواده مقابل و یا عدم چنین شباهت‌هایی پی می‌برد و این امر موجب می‌شود که آنان تصمیم دقیق‌تری اتخاذ نمایند. در این حالت تصمیم‌ها معمولاً از پختگی بیشتری برخوردار است و خانواده یک طرف در صورت دیدن شباهت، خانواده مقابل را می‌پذیرد. و هر اندازه شباهت بیشتر باشد، زندگی خانوادگی از دوام بیشتری نیز برخوردار می‌شود.

روزی به یک جلسه خواستگاری دعوت شده بودم، هر چه در جلسه بررسی بیشتری به عمل می‌آوردم، به وجود شباهت‌های کمتری دست می‌یافتم. به یکی از آشنایانی که در کنارم بود گفتم: راستی شما هیچ شباهتی بین این دو خانواده می‌بینید؟ او در پاسخ گفت: خیر. به او گفتم: این زندگانی به دلیل عدم تشابه دوام زیادی ندارد. مدتی بعد خبردار شدیم که نامزدی زوج جوان، فقط یک هفته تداوم داشت.

چرا عاقل‌کنندکاری که باز آرد پشیمانی اما وقتی که دختر و پسری به تنهایی و بدون دیدن و در نظر گرفتن وضعیت خانوادگی یکدیگر با هم قول و قرار ازدواج را می‌گذارند، دیگر امکان این‌گونه ارزیابی‌ها از خانواده



خانواده او نیز با اصرار دختر و بدون هیچ گونه بررسی در مورد وضعیت من، او را به عقد من درآورد. حالا من وقتی از دستش عصبانی می شوم او را می زنم ...

با خود گفتم که چه ازدواجهایی صورت می گیرد و بعضی از خانواده ها فرزندان شان را به چه کسانی می دهند. فردی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر در کانون بسر می برده و از آنجا گریخته است، در زمانی که فراری است زن می گیرد، دوباره به همان رویه غلط دست می زند، باز هم سر از کانون در می آورد و خانواده ای تک والدی را پدید می آورد. چنین ازدواجی، چه تضمینی برای بقای خود دارد، حال آنکه او حتی نادم هم نیست. در بسیاری از موارد، چنین ازدواجهایی به طلاق می انجامد و طلاق نیز در مواردی بد فرجام است، به طوری که در میان دارآویختگی هایی که در اثر خودکشی^۹ (۴۷ مورد) اتفاق افتاده بود^{۱۰}، ۱۶ نفر آنان را افراد مطلقه تشکیل می دادند و ۱۰ نفر آنها افراد مجرد بودند^{۱۱}. از سویی آثار تجاوز جنسی در ۸۰٪ از خانم های مقتول این گروه وجود داشت^{۱۲}.

نتیجه آنکه پایان زندگانی آنگاه ناخوشایند است که آغاز آن خوشایند نباشد. در بررسی بسیاری از زندگانی هایی که به جدایی انجامیده است، وقتی از یکی از طرفین و یا هر دوی آنان پرسیدم که آیا قبل از دواج تحقیق کرده بودید؟ غالباً جواب منفی شنیدم.

به هر حال ازدواج بدون تحقیق وضعیتی پدید می آورد که انسان معمولاً کمتر می تواند به انتظار پایان خوش برای آن باشد و به اصطلاح "در جبین این کشتی، نور رستگاری نیست."

تصمیمات اخذ شده مبنی بر انتخاب قطعی توسط هر دو، کمتر مجال انقطاع و نقض پیدا می کند، چه رسد به اینکه خانواده نیز از کنار آن به راحتی بگذرد و مسأله تحقیق برایش اهمیتی نداشته باشد که در آن حال بحران های مضاعفی نیز در کمین خواهد بود و به سان گردابی خانواده نیا را به درون خود خواهد کشید. اینک خالی از لطف نیست که به رویدادی شنیدنی اشاره کنم که در آن ازدواجی بدون تحقیق صورت گرفت و خانواده ای دچار مشکل را شکل داد.

در یکی از روزهایی که در کانون اصلاح و تربیت حضور داشتم و به مشاوره با نوجوانان بزهکار می پرداختم، شنیدن صدای چند ضربه سیلی مرا به سوی یکی از اطافهای ملاقات کشاند. در حالی که قطرات اشک از چشمان دختری جوان جاری می شد، خطاب به من گفتم: ببینید، من برای ملاقات و دیدار او آمده ام، اما او مرا سیلی می زند، شما با او صحبت کنید تا دست از این کارها بردارد. وقتی که پرسیدم شما با او چه نسبتی دارید؟ گفت او همسر من است و من سخت متعجب شدم که چه کسی به او زن داده است و بعد آن فرد ماجرا را برایم نقل کرد. می دانستم که یکی از بچه های کانون گریخته و مدت چند ماه از او خبری نبود. او به جرم خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شده و بعد از چند ماه از کانون گریخته بود. آن فرد وقتی که دوباره توسط پلیس دستگیر شد و به کانون بازگشت، وضعیت عوض شده بود، او این بار متأهل بود و می گفت که همسرش باردار است. او گفت که وقتی از کانون گریختم، با دختری ملاقات کردم و با یکدیگر قرار ازدواج را گذاشتیم. به او گفتم که شاغل هستم و

۱۰- فرصتی برای ملاقات بهتر و امکان برخورداری از فضایی صادقانه‌تر:

نظر به اینکه خواستگاری، سنتی رسمی و پس‌سنجیده است، می‌تواند فرصت‌های مناسب‌تری در اختیار طرفین قرار دهد تا در فضایی امن و به دور از دغدغه‌ی خاطر (نه در کوچه و خیابان) به گفت‌وگو پردازند. از آنجا که این گونه ملاقات‌ها زیر نظر والدین صورت می‌گیرد، دختر و پسر بدون احساس "فشار روانی" ناشی از مخفی‌کاری توأم با عدم رضایت والدین، به بحث و بررسی درباره‌ی افکار و اندیشه‌ها و شرایط یکدیگر می‌پردازند و فضایی صادقانه‌تر شکل می‌گیرد. اگر در کوچه و خیابان طرفین بدون شناخت از یکدیگر می‌توانند به هم دروغ بگویند که مثلاً پدرم دارای تحصیلات بالاست، ملاقات در خانواده می‌تواند پرده از صحت و سقم گفته‌ها بردارد، زیرا تا فرد لب به سخن می‌گشاید معلوم می‌شود که حقیقت ماجرا چیست. چرا که به تعبیر سعدی:

تا مرد سخن نگفته باشد
عیب و هنرش نهفته باشد
یکی از سؤالاتی که معمولاً دختران و پسران در آستانه‌ی ازدواج می‌پرسند این است که چگونه می‌توان دریافت که ادعاهای طرف مقابل مبتنی بر صدق است؟ در پاسخ می‌توان گفت که اگر پس از خواستگاری جلسات متعددی برای ملاقات و گفت‌وگو در نظر گرفته شود و ترتیبی اتخاذ شود که طرف مقابل بیشتر سخن بگوید، بهتر می‌توان به صدق و کذب سخنان او پی برد و با تناقض‌های موجود در گفتار وی آشنا شد. از سویی گفته‌اند که "دروغگو کم حافظه است" و چون نمی‌تواند تمامی گفته‌های دروغ خود را در

خاطر نگه دارد، دروغ‌ها یکی پس از دیگری بخوبی آشکار می‌شوند و ماهیت او بر ملاء می‌گردد. عدم هماهنگی حالت‌های چهره و گفتار نیز گاه حکایت از عدم صداقت فرد دارد. به هر حال با دقت بیشتر بر روی گفته‌های فرد می‌توان به شناختی افزون‌تر از او دست یافت. به عبارت دیگر با تأمل بر گفتار فرد، می‌توان به شناختی از باطن وی دست یافت، زیرا هر چه فرد سعی کند باطن خود را پنهان دارد، اما به هر ترتیب گاه گفته‌ها آن را آشکار می‌نمایند.

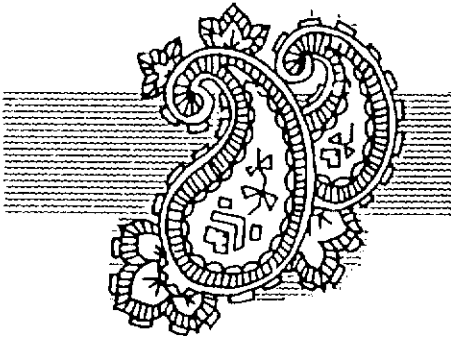
نتیجه آنکه خانم‌های همراه نیز فرصت بهتری برای دیدار دختر دارند و این حسن دیگر خواستگاری توسط خانواده است.

به هر حال، آموزش‌های لازم برای انجام چنین ملاقات‌هایی را نیز باید به فرزندان جوان داد تا در این جلسات مسائل اساسی و مهم را مطرح کنند و از آن حداکثر بهره‌برداری را برای شناخت به عمل آورند.

۱۱- آشنایی با ویژگیهای دیگر خانواده:

وقتی که فرد در معیت خانواده به خواستگاری می‌رود، می‌تواند ویژگیهای مختلف خانواده‌ی مقابل را بشناسد و به شناختی جامع‌تر از آن دست یابد. مثلاً اگر جنبه‌ی مذهبی خانواده مهم است و واقعاً هم این گونه است، با حضور در خانواده می‌توان از جنبه‌های مختلف مذهب و نحوه‌ی حضور آن در خانواده مطلع شد. توجه خانواده به اندیشه‌ها و آداب دینی، پوشش مناسب مذهبی، وفای به عهد، پرهیز از غیبت و دروغ‌گویی و نظایر آن می‌تواند به عنوان نشانه‌های خوبی برای ارزیابی میزان دیانت خانواده در نظر گرفته شود.

از سویی شیوه‌های برقراری ارتباط



می شود، دیگر مسأله دوستی های معضل آفرین دختر و پسر و انحرافات ناشی از آن در جامعه رخ نمی دهد، سلامت اخلاقی جامعه محفوظ می ماند و عشق های کاذب نیز مجال بروز کمتری می یابند، آن هم عشق هایی که به تعبیر مولوی همچون ننگ هستند:

عشق هایی کز پی رنگی بود
عشق نبود، عاقبت تنگی بود.^{۱۶}
در خواستگاری، عشق ها می توانند در کنار استدلال های بزرگترها و صاحبان تجربه، رنگی عقلانی به خود گیرند و ازدواجی پایدارتر را رقم بزنند. در این شرایط کمتر حالت هایی امکان بروز می یابند که در آن طرفین به خاطر وجود جنبه های خاص، نظیر: زیبایی چهره و یا تحصیلات صرف و یا درآمد زیاد تن به انتخاب بپسارند.^{۱۷}

مسأله دیگر این است که دختران و پسران در انتخاب همسر به صورت فردی، گاه به دلیل رو درپایستی و ترحم، طرف مقابل را به همسری می پذیرند و عمری را به سختی در کنار همسری سپری می کنند که هرگز علاقه ای به او ندارند و یا عمر زندگی خانوادگی را کوتاه کرده، به جدایی رو می آورند و یا مشکلاتی دیگر بر سر راه آنان قرار می گیرد که لذت برخورداری از حیات همراه با لذت و شیرینی را از آنان دریغ

اجتماعی را نیز می توان در بین اعضای خانواده مقابل ملاحظه نمود. مثلاً بررسی جریانهای اجتماعی نظیر سازگاری، همکاری، توافق و مخالفت امکان پذیر است. سازگاری وقتی امکان تحقق می یابد که روابط دو فرد یا دو گروه به گونه ای باشد که رضایت طرفین حاصل شود. همکاری^{۱۴} یعنی هرکنش متقابل اجتماعی که در آن افراد یا گروهها کار و فعالیت خود را به صورتی کم و بیش سازمان یافته و با کمک متقابل به هم می آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد.^{۱۵} ارزیابی میزان همکاری، نحوه ایجاد سازگاری، شیوه های دست یافتن به توافق و حتی طسوق ابراز مخالفت بجا تا حدی امکان پذیر است. هر اندازه موارد فوق به نحوی مطلوب صورت پذیرد، احتمال تداوم حیات در خانواده ای که متعاقباً شکل می گیرد، بیشتر است. احترام گذاشتن به بزرگترها و شنیدن سخنان ارزشمند آنان حکایت از حرف شنوی اعضای خانواده نسبت به هم دارد و این امر نیز نقش مؤثری در اصلاح و رفع اختلافات خانوادگی ایفا می کند. مثلاً چون پسر خانواده از پدر خود تبعیت می کند، به هنگام بروز اختلاف عروس و یا خانواده او می توانند از پدر وی برای اصلاح فرزندش کمک بگیرند.

شایان ذکر است که ویژگیهای اخلاقی، علمی و فرهنگی خانواده نیز در ملاقاتهای گوناگون خود را به منصه ظهور می گذارند و امکان تصمیم گیری بهتر را فراهم می نمایند.

۱۲- پرهیز از ابتلاء به انحرافات، عشق های کاذب و رودریاستی ها و ترحم:

وقتی که خواستگاری به عنوان شیوه ای مناسب برای انتخاب همسر در نظر گرفته

بروم، حالا آمده‌ام ببینم که آیا شما هم این راه را تأیید می‌کنید و یا فکر می‌کنید هنوز هم راهی وجود دارد که به جای جدایی، به آن هم امیدی داشت. هر چند که بوی امیدواری استشمام نمی‌شود." آنگاه به صحبت ادامه داد و گفت: "چه عقد غم‌انگیزی داشتیم، هیچ یک از افراد خانواده‌ام به هنگام مراسم عقد و خواندن خطبه عقد حضور نداشتند، تصور کنید که موضوع چقدر دشوار و غیر قابل باور است، حتی مادر که این همه دلسوز است، از او هم خبری نبود. من بودم و خودم، تنهای تنها، اما در مقابل اندوه ناشی از غیبت خانواده و فامیلم چه می‌توانستم بکنم، باید می‌سوختم و می‌ساختم، چاره‌ای هم نبود. از سویی در مقابل خانواده دختر هم شرمند بودم و حرفی برای گفتن نداشتم. خلاصه چه در دستران بدهم، مجلس عقد ما کم از مجلس عزا نبود، فکر نمی‌کنم تا به حال چنین چیزی اتفاق افتاده باشد که بستگان داماد در قید حیات باشند، اما در مجلس عقد از آنان خبری نباشد. دلیلش این بود که خانواده‌ام با این ازدواج مخالف بود، زیرا دختر مورد نظر قبل از ازدواج با من با دو سه نفر از پسرهای دوستی داشته و والدینم به هنگام تحقیق این موضوع را فهمیده بودند و من نیز که از دوستی‌های قبلی او بی‌خبر بودم در ملاقاتهایی که با او داشتم به وی وعده ازدواج داده بودم و نمی‌خواستم از حرف خودم برگردم، البته آن روزها سخت در اشتباه بودم، حرف والدینم را زیر پا گذاشتم و تن به عقدی با این وضعیت دادم. وقتی که خواستم به خانه برگردم و مراسم عقد به اتمام رسیده بود، پدرم در خانه را باز نکرد و به من گفت برو همانجایی که تا حالا بوده‌ای و من این بار با سرافکنندگی بیشتری برگشتم و از خانواده

می‌دارد. در حالی که به هنگام انتخاب در معیت جمع و تحت تأثیر راهنمایی‌های به جای آنان، می‌توان به رودریاستی‌ها و ترجمه‌ها فائق آمد و به انتخابی دقیق‌تر دست یازید. لذا بزرگترها به هنگام تشخیص مصلحت‌های فرد، بلی یا خیر را با قاطعیت ابراز می‌دارند، حال آنکه افراد جوان، کمتر قادرند که نظر قطعی خو را مبنی بر نخواستن اعلام نمایند، چرا که گاه داشتن رودریاستی و ترجمه، مانع از دادن پاسخ "نه" به صورت صریح است.

۱۳- تأمین بهداشت روانی و دست یافتن به آرامش:

وقتی که مجموعه عواملی که ذکر شد در کنار هم قرار بگیرند، زمینه تحقق ازدواجی پایدارتر و خانواده‌ای بسامان را فراهم می‌آورند که ضمن آن طرفین به دلیل مواجهه با مشکلات و استرس‌های روانی کمتر، از تعادل روانی بهتری برخوردار می‌شوند و بدین ترتیب بهداشت روانی در دو خانواده نیز بهتر حفظ می‌گردد، حال آن‌که در انتخابهای فردی که فقط دختر و پسر - آن هم بدون در نظر گرفتن صلاح و مصلحت‌های خانواده و یا بدون هماهنگی با آنها - مبادرت به انتخاب می‌نمایند، فشارهای روحی بیشتری تحمل می‌کنند، مضافاً اینکه امید دست یافتن به خانواده‌ای سرزنده و بالنده نیز کمتر است. در اینجا با بیان خاطره‌مراجعی که به دلیل انتخاب فردی، مشکلات زیادی متحمل شده، زندگانی او نیز در آستانه جدایی بود، این مقال را به پایان می‌برم.

چندی قبل آقایی به مرکز مشاوره مراجعه کرد و در حالی که بسیار متاثر و ناراحت بود گفت: "چند روز دیگر قرار است به دادگاه

پی‌نوشتها:

1- FAMILY OF ORIENTATION

2- FAMILY OF PROCREATION

۳- جامعه‌شناسی خانواده، صفحات ۶۶-۶۵

4-GUIDANCE

5- PREMATRIAL COUNSELING

۶- تیک‌ها (TICS) یا اختلاج‌ها، اسپاسم ماهیچه‌ای هستند. به انقباض غیرارادی ماهیچه‌ها که حالت تکراری دارند، تیک می‌گویند. برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب "روان‌شناسی رفتار غیرارادی (مرضی)" تألیف دکتر پروین بیرجندی مراجعه نمایید.

۷- خانواده درمانی، صفحه ۱۰.

8- GREEN YEARS

9-SUICIDE

۱۰- این تحقیق بر روی یک صد جسدی که در پزشکی قانونی مورد معاینه قرار گرفتند، انجام شده است که ۷۲ نفر آنان مذکر و ۲۸ نفر دیگر مؤنث بوده‌اند.

۱۱- مجله علمی پزشکی قانونی، صفحه ۵.

۱۲- همان، صفحه ۱۰.

13- STRESS

14- COOPERATION

۱۵- درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، صفحه ۱۴۴.

۱۶- مثنوی، دفتر اول، صفحه ۷.

۱۷- مشاوره در آستانه ازدواج، صفحه ۲۰.

منابع:

۱- بیرجندی، پروین، روان‌شناسی رفتار غیر عادی (مرضی)، تهران، کتاب‌فروشی دهخدا، چاپ چهارم، ۱۳۶۲

بقیه در صفحه ۷۵

همسر خواستم که از این به بعد در منزل آنها بمانم. آنها هم که خود مستأجر بودند، علی‌رغم میل باطنی خود مرا پذیرفتند، حالا بماند که صاحب خانه چه ادا و اطواری در آورد. آنها به من گفتند که حالا که این طور شد، باید همسرت را زودتر ببری و من بدون داشتن امکان کافی برای تمهید مقدمات لازم، مجلس عروسی را برگزار کردم، ولی باز از خانواده داماد خبری نبود، خودم بودم و خودم و هنوز هم که هنوز است، مدام سرکوفت غیبت خانواده‌ام را در دو مجلس مهم عقد و عروسی می‌شنوم، اما لب نمی‌گشایم و دم بر نمی‌آورم. الآن با عذرخواهی و تقاضاهای فراوان در خانه پدرم زندگی می‌کنم، ولی آنها عروسشان را نپذیرفته‌اند و با او رفتار خوبی هم ندارند، هر چند خود مرا هم به زور پذیرا شده‌اند... و ای کاش در انتخاب همسر به دیدگاهها و نظریات آنان نیز توجهی کرده بودم تا در اثر شدت دعوای من و همسر، بارها شیشه‌های خانه پدرم شکسته نمی‌شد و همسایه‌ها از جیک و بوک زندگانی ما مطلع نمی‌شدند. امروز در کوچه ما کمتر کسی است که از دعوای ما بی‌خبر باشد.

و بدین ترتیب در سرکوچه و بازار رسوای خاص و عام شدیم. حالا چه راهی برای تداوم این زندگانی وجود دارد که در آن دو طفل ناخواسته هم مثل قوز بالا قوز حضور پیدا کرده‌اند.

در خاتمه امید آن را دارم که والدین با اتکال به خدای تعالی و الهام گرفتن از مباحث مطرح شده در این مقاله جوانان را در انتخاب همسری برتری‌یاری دهند.

اهمیت مدیریت در آموزش و پرورش



احمد صافی

علم مدیریت را در عداد یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رشته‌های علوم انسانی به شمار می‌آورند. زیرا به کمک مدیران توانمند و آگاه به اصول، نظریه‌ها و سبک‌های مدیریت و واجد مهارت‌های انسانی، ادراکی و فنی می‌توان چهره سازمان‌های اداری، صنعتی، بازرگانی و آموزشی را دگرگون ساخت، از منابع طبیعی، سرمایه، فن‌آوری و نیروی انسانی حداکثر بهره را برد، با برنامه‌ریزی و سازماندهی در هر یک از سازمان‌های مختلف، نظم و هماهنگی ایجاد نمود و تحقق اهداف دستگاه‌های متفاوت را ممکن ساخت.

امروزه هنر و علم مدیریت را از ظریف‌ترین، دشوارترین و پرمهرترین کارهای آدمی می‌دانند و به عنوان یکی از شاخص‌های مهم تمدن معاصر و از جمله عوامل مؤثر در رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع کنونی به حساب می‌آورند.

در قرن حاضر اهمیت و اثربخشی این دانش بشری تا آن اندازه است که بعضی از صاحب‌نظران، قرن بیستم را عصر مدیریت و دنیای امروز را دنیای مدیران آگاه می‌دانند و

سرمایه‌گذاری در مورد تربیت مدیران رده‌های مختلف، به ویژه مدیران مدارس در ابعاد کمی و کیفی، بهترین و سودمندترین نوع سرمایه‌گذاری است و تهیه و تصویب و اجرای طرح‌های مناسب در زمینه جذب، تربیت و تأمین آنان از اقدامات اساسی و بنیادی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت تأمین مدیران مدارس در ایران، به دلایل متعدد از جمله: افزایش جمعیت، استقبال زیاد از ثبت‌نام و تحصیل در دوره‌های مختلف تحصیلی و عده دانش‌آموزان مدارس شهری و روستایی افزایش یافته است. بر طبق آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵، مستجاوز از ۱۸/۵۰۰/۰۰۰ نفر دانش‌آموز در نقاط مختلف کشور به تحصیل اشتغال داشته‌اند. این رقم در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ به نوزده میلیون رسیده است و در سال ۱۳۸۰ به حدود بیست و دومیلیون نفر خواهد رسید.

افزایش عده دانش‌آموزان، گسترش واحدهای آموزشی و اداری را طلب می‌کند و نیاز به وجود مدیران بیشتری را برای مدارس دوره‌های مختلف تحصیلی به خوبی نشان می‌دهد. بر طبق آمار وزارت آموزش و پرورش در سال ۷۶-۱۳۷۵ حدود ۱۰۷/۰۰۰ باب آموزشگاه پسرانه، دخترانه و مختلط در سراسر کشور وجود داشته است. از این مقدار ۹۶۷ آموزشگاه کودکان استثنایی، ۳۳۲۲ آمادگی، ۶۳۱۱۱ دبستان، ۲۵۸۳۴ راهنمایی تحصیلی، ۱۲۴۷۰ دبیرستان و هنرستان، ۱۰۰ مرکز تربیت معلم و تعدادی مراکز شبانه بوده است.^۱

با توجه به اینکه بر طبق سازمان مصوب هر

اهمیت و نقش مدیریت در کشور ما که از وسعت زیاد و موقعیت جغرافیایی و آب و هوای نسبتاً مناسب و منابع سرشار طبیعی و نیروی انسانی بالقوه برخوردار است و هم‌اکنون در حال بازسازی و نوسازی است، بیش از پیش احساس می‌گردد.

از بین انواع مدیریت، مدیریت بر سازمانهای آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش راهبردی دارد. زیرا تمام اهداف و عوامل این سازمانها، انسانی است و نقش و رسالت آنها از یک سو تبدیل انسانهای خام به انسانهای صنعتگر، خلاق، خودآگاه و رشد یافته است و از سوی دیگر تأمین‌کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

اگر سازمانهای دیگر جامعه در ایفای وظایف و رسالت خود کوتاهی کنند و به اهداف مورد نظر دست نیابند، نتیجه آن مستقیماً عاید گروه یا سازمانی است که با آن سروکار دارند. اما اگر سازمان آموزش و پرورش و مدیران آن از ماهیت کار خود غافل باشند و یا در فرایند یادگیری، یاددهی وقفه‌ای به وجود آورند، حاصل کارشان در ابعاد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی متوجه جامعه خواهد شد و در رشد و توسعه جامعه و یافتن انحطاط آن سهم مؤثری خواهد داشت.

بنابراین مدیریت در دستگاه آموزش و پرورش از سطح مدرسه تا وزارتخانه، نقش حیاتی و حساسی در پیشبرد و تحقق اهداف آموزش و پرورش دارد و هیچ نظام آموزشی نمی‌تواند بدون داشتن مدیران شایسته، دلسوز، متعادل و متقی، مدیر، مخلص، اندیشمند و با تجربه به اهداف خود برسد.

۲- دارای استعداد و تواناییهای مدیریت و رهبری باشند.

۳- مؤمن و متقی باشند، زیرا اگر افراد با علم و آگاهی به ایمان دست یابند، خود به خود یک نوع وقار، آرامش، عدالت خواهی، اراده قوی و مصمم می یابند.^۳

۴- مبانی اسلامی رهبری و مدیریت را بدانند و سرلوحه کار خود قرار دهند.^۴

۵- با فرهنگ اسلامی و ملی کشور خود آشنایی کافی داشته باشند.

۶- نظام آموزش و پرورش کشور خود را بخوبی بشناسند و از سوابق و تحولات تاریخی آن آگاه باشند.

۷- از فلسفه ارزشها و مقاصد کلی آموزشی مطلع باشند.

۸- با اندیشه ها و نظریه های مدیریت و رهبری آشنا باشند و به اقتضای محیط کار خود آنها را به کار بندند.

۹- به مسؤولیت ها و وظایف چند بعدی آموزشی، ارشادی، فرهنگی، اجتماعی و اداری خود واقف باشند.

۱۰- به کار خود به عنوان مدیر آموزشی، نگرشی آگاهانه و علمی داشته باشند.

۱۱- قوانین و مقررات نظام آموزشی را بخوبی بدانند و برای حل مشکلات مدارس از آنها مدد بگیرند.

۱۲- مشکلات و مسائل مدارس و نظام آموزشی را در ارتباط با شرایط و ویژگیهای جامعه تجزیه و تحلیل کنند.

۱۳- در زمینه مدیریت، دارای مهارتهای فنی، انسانی و ادراکی باشند.

۱۴- روابط و مناسبات متقابل مدرسه و خانواده و جامعه را درک کنند و در هنگام انجام

مدرسه، به تناسب عده دانش آموزان، برای مدیران مدارس معاونانی در نظر گرفته شده است که آنان نیز در نقش مدیریت ایفاء وظیفه می کنند، به این نتیجه می رسیم که در آموزشگاههای کشور در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ بیش از دویست هزار نفر امور مربوط به مدیریت واحدهای آموزشی شهری و روستایی را به عهده داشته اند.

اگر هیچ یک از مدیران مدارس یا معاونان آنان تغییر نیابند (که معمولاً این امر ممکن نیست)، با توجه به افزایش شمار دانش آموزان در سال ۷۷ - ۱۳۷۶ و در نتیجه افزایش واحدهای آموزشی و با توجه به روند رشد آن در سالهای بعد، اهمیت برنامه ریزی در جهت تأمین مدیران مورد نیاز در وضع فعلی و در سالهای آینده به خوبی احساس می گردد.

ضرورت تربیت مدیران مدارس
بهترین مراتب آن باشند
کان به فضل و هنر به دست آید
رتبتهی کان نباشد استحقاق
زودش اندر بنا شکست آید
(این یمین)

تحقق وظایف مهم آموزشی، پرورشی و اداری واحدهای آموزشی، برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و نظارت بر فرایند یاددهی و یادگیری و استفاده بهینه از همه منابع انسانی و امکانات مادی درون و برون مدارس مستلزم جذب، انتخاب، تربیت و به کار گماری مدیرانی است که از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:^۲

۱- از سلامت جسمی، عاطفی و روانی برخوردار باشند.



- دادن وظایف محوله آنها را نادیده نگیرند.
- ۱۵- در زمینه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانش و معلومات کافی داشته باشند و از این نظر بتوانند معلمان مدارس را راهنمایی کنند.
- ۱۶- مسائل و مشکلات روانی و رفتاری دانش‌آموزان را در پرتو علوم روان‌شناسی و رفتاری تشخیص دهند و برای حل آنها کوشش کنند.
- ۱۷- دست کم ۵ سال سابقه آموزشی و معلمی داشته باشند.
- ۱۸- اخلاق و برخورد مناسب داشته باشند و در محیط مدرسه و هنگام رفتار با کارکنان و دانش‌آموزان موارد زیر را رعایت کنند.^۵
- آرام باشند و عصبانی نشوند.
- به سخنان دیگران خوب گوش دهند.
- به مساوات و عدالت رفتار کنند.
- ظاهر مرتبی داشته باشند.
- از کلمات محبت‌آمیز استفاده کنند و گفتار گرمی داشته باشند.
- روحیه قوی داشته باشند و در تقویت روحیه دیگران بکوشند.
- برای اداره مدرسه از نظریات مشورتی دیگران استفاده کنند و به نظریات آنان اهمیت دهند.
- درستکار و راست گفتار باشند.
- از طریق خودآگاهی، خودشناسی و خودسازی اسوه و الگوی مناسبی برای متعلمان و معلمان شوند.
- ۱۹- دارای درجه تحصیلی مناسب با دوره تحصیلی باشند.
- ۲۰- از سن مناسبی برخوردار بوده، متأهل باشند.^۶
- شیوه‌ها و سیاستهای اساسی در جهت جذب، تربیت و تأمین مدیران مدارس**
- الف: جذب مدیران شایسته**
- یکی از مشکلات مهم آموزش و پرورش ایران، نبود جاذبه‌های لازم و کافی برای جذب

مختلف معنوی و مادی و فراهم کردن شرایط مساعد برای فعالیت در مدارس است.

در یک بررسی^۹ از رؤسای دبیرستانها و هنرستانهای نظام جدید متوسطه سؤال شده است که در جهت جذب افراد شایسته و کارآمد برای ریاست دبیرستان باید چه اقداماتی صورت گیرد. این افراد موارد متعددی را مورد تأکید قرار داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- تفویض اختیارات بیشتر به مدیران؛
- فراهم کردن شرایط مساعد برای ادامه تحصیل مدیران و گذراندن دوره‌های لازم؛
- پرداخت حقوق و مزایای مناسب، به‌ویژه حق مدیریت کافی؛
- خواستن نظریات مدیران در تصمیم‌گیریهای مربوط به مدارس و اهمیت دادن به پیشنهادهای آنان؛
- ثبات در مدیریتها و حمایت از مدیران؛

افراد مستعد، توانمند و با تجربه در سمت مدیریت مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (عمومی، فنی و حرفه‌ای) است. این امر ناشی از عوامل متعددی است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شیوه انتخاب، انتصاب و تغییر مدیران؛
 - نبود ثبات در مدیریت؛^۷
 - کمبود منابع انسانی و امکانات مادی در مدارس؛
 - اختیارات کم و محدود مدیران؛
 - ارتباط خشک و رسمی میان مدیران مدارس و اداره‌های آموزش و پرورش؛
 - پرداختن به امور فرعی و جزئی و مسائل جاری و بازماندن از وظایف عمده و اصلی و در نتیجه احساس کم‌ثمری؛
 - وجود ساعت کار بیشتر و درآمد مالی کمتر نسبت به آموزگاران و دبیران.^۸
- بنابراین نخستین اقدام، ایجاد انگیزه‌های



- رعایت ضوابط مقرر در انتخاب و انتصاب مدیران؛

- رعایت موازین اخلاقی هنگام تغییر مدیران؛
- دقت در انتخاب و انتصاب مسؤولان بالاتر، نظیر رؤسای آموزش و پرورش، مدیران کل، کارشناسان و مسؤولان اداره‌ها و توجه اساسی به میزان تحصیلات، تقوا و تجربه آنان؛

- کم کردن کارهای خدماتی و جنبی و فراهم کردن شرایط مساعد برای ایفای نقشهای آموزشی و پرورشی؛

- فراهم کردن شرایط مساعد برای بازدید از مدارس داخل و خارج از کشور و آگاهی از نوآوریهای مربوط به اداره آموزشگاهها.

به نظر می‌رسد که پیشنهادهاى رؤسای دبیرستانها، معقول، منطقی و عملی است و مدیران عالی آموزش و پرورش از طریق طراحى و تصویب طرح جذب افراد شایسته به مدیریت مدارس می‌توانند زمینه را برای افزایش داوطلب مدیریت و انتخاب بهتر و صالح‌تر فراهم سازند.

ب: تربیت و تأمین مدیران

با توجه به استنادات آماری و پژوهشی و دلایل گفته شده در صفحات قبل، مدیران مدارس دوره‌های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه کاملاً به آموزشهای دراز مدت و کوتاه مدت نیازمندند. این امر به شیوه‌های زیر انجام‌پذیر است:

۱- اختصاص ظرفیت کامل رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کارشناسی دانشگاههای مختلف به معلمان یا مدیرانی که در وزارت آموزش و پرورش شاغل‌اند و از تجربه لازم برخوردار هستند.

۲- اختصاص نیمی از ظرفیت رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاههای مختلف در سطح کارشناسی ارشد به دبیران یا مدیران آموزش و پرورش.

۳- گسترش دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد با مجوز سازمان امور اداری و استخدامی کشور برای معلمان و مدیران مدارس.

۴- ایجاد انستیتو یا مرکز آموزش مدیریت^{۱۰} یا سازمان مناسبی در وزارت آموزش و پرورش برای تربیت و تأمین مدیران آموزش و پرورش، ویژه مدیران مدارس.

۵- اعطای بورس تحصیلی خارج از کشور در زمینه مدیریت آموزشی و استفاده از مراکز آموزش مدیران مورد تأکید یونسکو.^{۱۱}

۶- ایجاد دوره‌های کوتاه مدت مدیریت و مدیریت آموزشگاهی با برنامه‌های جامع و مناسب قبل از انتصاب مدیران.

۷- ایجاد و گسترش دوره‌های تکمیلی کوتاه مدت برای مدیران شاغل.

۸- افزودن درس مدیریت آموزشی کوتاه مدت برای مدیران شاغل.

۹- ایراد سخنرانیهای متعدد به وسیله صاحب‌نظران مدیریت آموزشی، بر طبق برنامه منظم برای مدیران مدارس مناطق مختلف کشور.

۱۰- انتشار گسترده مجله مدیریت در آموزش و پرورش برای همه مدیران مدارس و معرفی آخرین کتابها، مقالات و تحقیقات انجام شده در زمینه مدیریت و مدیریت آموزشی.

۱۱- نگارش چند کتاب برای مدیران مدارس در زمینه مدیریت آموزشی و ملزم ساختن مدیران به مطالعه آنها.



- طرح مباحثی در زمینه روان‌شناسی کودکی و نوجوانی و نحوه استفاده از خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس؛

- آشنایی با اهداف و ساختار آموزشی وزارت آموزش و پرورش؛

- طرح مباحثی در زمینه امور اداری و مالی و مقررات استخدامی؛

- بازدید از مراکز تربیت مدیر و مدرسی که مدیریت موفق داشته است؛

۱۳- تجدیدنظر در برنامه‌های درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های مختلف و توجه به نیازهای مدیران مدارس و سایر مدیریتهای وزارت آموزش و پرورش؛

۱۴- تجدیدنظر در نحوه پذیرش دانشجو برای رشته‌های مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه‌ها و اختصاص ظرفیت بیشتر این رشته‌ها به تربیت و تأمین مدیران آموزش و

۱۲- توجه اساسی به طرح مباحثی در دوره‌های کوتاه مدت که مهارت‌های انسانی، ادراکی و فنی مدیران را افزایش می‌دهد.

در یک بررسی^{۱۲} از رؤسای دبیرستانها و هنرستانها سؤال شده که برای دوره‌های کوتاه مدت مدیریت چه مباحثی باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

موضوعات زیر از جمله موضوعاتی است که مورد تأیید قرار گرفته است:

- آشنایی با مدیریت و اخلاق اسلامی؛

- آشنایی با اصول و روشهای مدیریت؛

- آشنایی با مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی؛

- آشنایی با مقدمات مدیریت آموزشی؛

- آشنایی با سازمان و تشکیلات آموزش و پرورش؛

- آشنایی با مبانی قوانین و مقررات آموزشی و آیین‌نامه‌های مختلف مدارس؛

پرورش در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد؛

۱۵- تعیین و ابلاغ سیاست کلی آموزش و پرورش در مورد نحوه انتخاب و انتصاب مدیران مدارس با تأکید بر استفاده هر چه بیشتر از فارغ التحصیلان رشته‌های مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و خودداری از به کارگیری مدیرانی که دوره‌های لازم را نگذرانده‌اند؛

۱۶- تهیه و اجرای طرح همکاری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی با وزارت آموزش و پرورش در مورد انجام یافتن برنامه کارورزی مدیریت در مدارس و اداره‌ها در حد مطلوب.

پی‌نوشتها:

۱- خلاصه آمار وزارت آموزش و پرورش، سال ۷۶-۱۳۷۵.

۲- میرکمالی، سیدمحمد، رشد معلم، سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷، صفحه ۱۷.

۳- مطهری، مرتضی، ده گفتار، صفحه ۸۷.

۴- علاقه‌مند، علی، اهمیت و ضرورت توجه به مدیریت آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، زمستان ۱۳۶۴، صفحه ۱۳.

۵- صافی، احمد، مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، صفحه ۱۳۵.

۶- آمار اجمالی آموزش و پرورش کشور، ۷۶-۱۳۷۵.

۷- با تصویب آیین‌نامه انتصاب مدیران مدارس این امر تا حدی بهتر شده است.

۸- در کشورهای مختلف نظیر هندوستان، مدیران مدارس از حقوق بیشتری نسبت به سایر کارکنان برخوردار هستند.

۹- صافی، احمد، اظهار نظر رؤسای دبیرستانها

و هنرستانها، شهریور ۱۳۷۱.

۱۰- این مرکز تا سال ۱۳۵۸ در وزارت آموزش و پرورش فعالیت داشته است.

۱۱- مؤسسه ملی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی هند.

۱۲- اظهار نظر رؤسای دبیرستانها و هنرستانهای نظام جدید آموزش متوسطه، شهریور ۱۳۷۱.

منابع:

۱- آمار اجمالی آموزش و پرورش کشور در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، دفتر هماهنگی و تلفیق برنامه‌ها.

۲- علاقه‌مند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰.

۳- صافی، احمد و همکاران، پژوهشی در زمینه میزان رضایت شغلی مدیران مدارس شهر تهران، ۱۳۷۰.

۴- صافی، احمد، مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، دفتر آموزش ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸.

۵- صافی، احمد، مدیریت در آموزش و پرورش، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۹.

۶- مجله مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱، بهار ۱۳۷۱.

۷- کیمبل وایلز، مدیریت و رهبری آموزشی، ترجمه محمد علی طوسی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۰.

۸- رشد معلم، شماره ۴، سال تحصیلی ۶۸-۶۷، مقالات مدیریت آموزشی سید محمد میرکمالی.

۹- مطهری، مرتضی، ده گفتار.

انتظارات معلمان دوره ابتدایی از والدین دانش آموزان



صداقت وفادار

مقدمه :

در دهه‌های اخیر تحولات وسیعی در همه زمینه‌های زندگی بوجود آمده است، از جمله رونق فعالیت‌های مطبوعاتی که با ازدیاد انتشار کتب و مجلات متنوع همراه می‌باشد، پیشرفت سریع تکنولوژی که امکان ارتباطات مخابره‌ای، ماهواره‌ای، کامپیوتری و خطوط گوناگون

ارتباطی را بوجود آورده و به این وسیله دستیابی سریع به اطلاعات ممکن شده است، گسترش مراکز فرهنگی و هنری، سمعی و بصری و تولید فیلمهای گوناگون که به سهولت در اختیار آحاد مردم قرار می‌گیرد، با سواد شدن اکثر مردم، دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و ... که در مجموع ارتقای فرهنگ عمومی را موجب شده است. مجموعه این عوامل حاکی از آن است که آموزش غیررسمی جایگاه بارزی در یادگیری انسانها به

دست آورده است.

مفیدی برسد. باید در نظر داشته باشیم که خانواده به دلیل شناخت بیشتر فرزندان و برقراری ارتباط سالم با آنها بر روحیه و توان و تصمیم فرزندان خود تأثیر شگرفی دارند و چون اوقات بیشتری از زندگی را در کنار یکدیگر می‌گذرانند، تأثیرگذاری اولیاء بر فرزندان افزونتر است.

از طرف دیگر کودک قسمت اعظم زندگی خود را در خارج از مدرسه می‌گذراند و آموزشگاه تنها ۱۲ درصد (۵ ساعت از ۲۴ ساعت) از وقت او را خارج از محیط زندگی اشغال می‌کند. بنابراین لازم است که معلم از محیط زندگی، فرهنگ و ارزشهای حاکم بر محیط آگاهی یابد تا بتواند آموزش و پرورش مدرسه را با استفاده از تجارب زندگی دانش‌آموز بارور نماید. اولیاء نیز باید از برنامه‌ها، اهداف، تکالیف و خواستهای آموزشگاه آگاهی یابند تا بتوانند متناسب با نیازهای آموزشی و پرورشی کودک و هماهنگ با مدرسه در امر تعلیم و تربیت او مشارکت کنند.

شواهد موجود نشان می‌دهد که رفتارهای والدین و معلمان با کودکان در سالهای اولیه دوران کودکی بر رشد استعدادهای آنان تأثیر فراوان دارد. بررسی شرایط پرورشی ۴۰۰ نفر از افراد برجسته قرن بیستم، تأثیر عوامل محیط خانوادگی را بر ایجاد تواناییهای خلاق این افراد به این شرح نشان می‌دهد:

محیط خانوادگی دوران کودکی تقریباً همه کسانی که سرانجام انسانهای برجسته‌ای می‌شوند، آکنده از عشق به یادگیری است ... حداقل در یکی از والدین همه این ۴۰۰ نفر زن و مرد، علاقه‌ای نیرومند نسبت به دستاوردهای

از طرف دیگر ساختار خانواده نیز دستخوش تحولاتی شده و به صورت خانواده هسته‌ای در آمده که توانایی کافی برای تهیه و استفاده از امکانات جدید را داراست. بهره‌مندی وسیع از آموزش غیررسمی در خانواده و نقش مؤثری که والدین در تربیت کودک دارند، توانایی زیادی را در آنان بوجود آورده که اگر با تعلیم و تربیت رسمی همسو گردد، امر آموزش کودکان با سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد. بنابراین باید تدابیری اتخاذ شود تا آموزشهای رسمی و غیررسمی مؤید و مکمل یکدیگر باشند. در این میان بررسی انتظارات معلمان از اولیاء و بر عکس، می‌تواند در هماهنگی و همکاری بین خانه و مدرسه مؤثر باشد، زیرا استفاده مناسب از امکانات خانواده و افزایش کارآیی آموزشگاه در تربیت بهتر فرزندان بسیار تأثیرگذار است.

اهمیت همکاری اولیاء در تعلیم و تربیت

فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدارس بدون جلب توجه و همکاری اولیای دانش‌آموزان نتایج مطلوب نخواهد داشت، زیرا تأثیرپذیری کودک از عامل خانواده بیش از سایر عوامل است و تا این عوامل شناخته نشود و مورد توجه قرار نگیرد و معلمان و والدین آنها را به عنوان عوامل بسیار مهم و مؤثر در رشد و یادگیری دانش‌آموزان نپذیرند، موفقیت‌های تربیتی بسیار کم و گاهی غیر ممکن خواهد بود. از این رو باید هر چه بیشتر افکار و نظریات اولیاء و معلمان در جهت شناخت بهتر کودک به هم نزدیک شود و انتظارات و توقعات هر کدام نسبت به همدیگر کاملاً روشن گردد تا تلاشهای آموزشی به نتایج

ذهنی خلاق وجود داشته است.^۱

همکاری بین اولیاء و مربیان است، زیرا خواست و هدف مشترکی بین آنها بوجود می آورد که تحقق آن از طریق همکاری بین اولیاء و مربیان مقدور است.

به همین جهت انتظار می رود که اولیاء فضای مناسبی برای یادگیری کودکان بوجود آورند.

زمینه های همکاری اولیاء و مربیان

تأثیرپذیری شگرف فرزندان از خانواده، موقعیت ممتازی برای اولیاء بوجود آورده است، به گونه ای که آنان را قادر می سازد کودکان را با علاقه و رغبت و انگیزه کافی که ناشی از حمایت و خواست اولیاء می باشد، برای یادگیری به آموزشگاهها گسیل دارند. زیرا با توجه به نفوذی که خانواده ها در فرزندانشان دارند و با در نظر گرفتن علاقه والدین به رشد و پرورش فرزندان، انتظار می رود که اولیاء با ایجاد انگیزش و نیز نگرش مثبت نسبت به آموزش، سبب حضور مشتاقانه و مرتب دانش آموزان در مکانهای آموزشی شوند. به دلیل اصل تأثیرپذیری کودک از خانواده است که تعلیمات داده شده از سوی والدین نقش تعیین کننده ای در طول زندگی فرزندان ایفا می کند و به صورت عامل تربیتی آینده او را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارت دیگر تجارب کودک از خانواده شروع شده، سپس در مدرسه ادامه پیدا می کند.

با ورود کودک به مدرسه، آموزش و تجارب او شکل رسمی و منظمی به خود می گیرد که از جهاتی با آنچه در خانواده انجام می گرفت، متفاوت است. از طرف دیگر معلمان نیز تمام سعی و کوشش خود را به این امر معطوف می دارند که دانش آموزان از لحاظ ذهنی، عاطفی، روانی و جسمی به رشد و شکوفایی مطلوبی دست یابند. این موضوع نقطه قوت

نحوه همکاری بین اولیاء و مربیان

خواستها و اهداف مشترک بین اولیاء و مربیان، زمینه های مناسب همکاری بین آنان را بوجود می آورد، اما برای دستیابی به این اهداف باید اقداماتی از سوی هر کدام انجام پذیرد و طرفین انتظارات همدیگر را برآورده نمایند.

بررسیهای مختلف بیانگر آن است که اولیاء انتظار دارند در جلساتی با معلمان فرزندانشان به گفت و گو بپردازند و از وضع تحصیلی و اجتماعی فرزندان خود مطلع شوند. همچنین آنها ترجیح می دهند مسائل مربوط به رشد عاطفی و اجتماعی فرزندانشان نیز مطرح شود. آنان علاقه مند به برقراری ارتباطی بتاز و صمیمی بر اساس تفاهم و سعه صدر با مسئولان آموزشگاه هستند. یکی دیگر از انتظارات آنها این است که موضوع بحث و دستور جلسه قبلاً به اطلاع اولیاء برسد و دیگر اینکه حتی المقدور و در برخی از جلسات، فرزندان آنان نیز حضور داشته باشند تا در جریان تبادلات اولیاء و مربیان قرار گیرند.^۲

آگاهی از این نظریات و برآورد خواستهای طرفین، زمینه های مساعدی برای همکاری و هماهنگی بیشتر اولیاء و مربیان فراهم می آورد.

انتظارات معلمان دوره ابتدایی از اولیاء

به منظور آگاهی از انتظارات معلمان دوره ابتدایی از اولیاء، بررسی میدانی به وسیله

معلم دانش‌آموزان را بهترین منبع شناخت بهتر کودکان می‌دانند.

- معلمان دوره ابتدایی اعتقاد دارند که برای حل مشکلات تربیتی کودک باید از معلم کودک درخواست کمک نمود.

- معلمان دوره ابتدایی بر این باورند که برای رسیدگی به وضع تحصیلی و تربیتی کودک بهتر است که مادر یا مدرسه در ارتباط باشد.

- معلمان دوره ابتدایی انتظار دارند که اولیاء برای اطلاع از برنامه‌های تحصیلی و تربیتی کودک خود هر دو هفته یک بار با معلم در تماس باشند.

- معلمان انتظار دارند که اولیای دانش‌آموزان برای ملاقات با معلم، از طریق برنامه منظم هفتگی اقدام نمایند.

- معلمان دوره ابتدایی ترجیح می‌دهند در جریان ملاقات با اولیای دانش‌آموزان کسی حضور نیابد.

- معلمان دوره ابتدایی انتظار دارند که در

پرسشنامه به عمل آمده است. این نظرخواهی که از ۱۰۰ نفر از معلمان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش مناطق ۵ و ۷ و ۱۰ و ۱۱ شهر تهران انجام گرفته است (۶۸ نفر از آنان پرسشنامه را تکمیل و ارسال نمودند)، جمع‌بندی گردیده و موارد زیر بیان‌کننده نظریات این افراد می‌باشد.

- معلمان ابتدایی مادر را مؤثرترین فرد در تربیت کودک دبستانی می‌دانند و در بین اعضای خانواده موفقیت کودک را ناشی از تربیت مادر می‌دانند.

- معلمان دوره ابتدایی ارتباط مستمر والدین و معلم کودک را بهترین عملکرد والدین برای پیشرفت تحصیلی کودکان دبستانی می‌دانند، لذا باید برای گسترش این ارتباط تلاش نمود.

- معلمان دوره ابتدایی هماهنگی و همکاری با معلم را مؤثرترین عملکرد والدین در هماهنگی خانه و مدرسه می‌دانند.

- معلمان دوره ابتدایی کسب اطلاعات از



نزدیک، عمیق و صمیمی با آنان به گونه‌ای که کودک در مواقع لازم با والدین خود مشورت کرده، از آنان کمک بخواند.

۳- ایجاد همسویی و همفکری بین اعضای خانواده، رفع مشکلات خانوادگی و بوجود آوردن تفاهم در زندگی مشترک.

۴- با ایمان بودن و داشتن اخلاق و رفتار خوب.

۵- علاقه‌مند بودن به خانواده و فراهم نمودن امکانات آسایش کودک در منزل.

ج- ویژگیهای شخصی اولیای موفق:

۱- تحصیل کرده باشند و به کسب علم اهمیت بدهند.

۲- فرزند کمتری داشته باشند.

۳- در انجام امور زندگی جدی باشند و برای کارها برنامه‌ریزی نمایند.

۴- نظم را در همه کارهای خود و فرزندان‌شان رعایت کنند.

به عقیدهٔ معلمان مورد سؤال والدین برای دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی آموزشگاه لازم است اقداماتی به این شرح انجام دهند:

الف- ارتباط مستمر با آموزشگاه:

۱- شرکت مداوم و فعال در جلسات آموزشگاه به منظور رفع نیازهای تدارکاتی و آموزشی مدرسه.

۲- ابراز نظر نسبت به مسائل آموزشی آموزشگاه و با اهمیت جلوه دادن این کانون آموزشی و تربیتی.

۳- ارتباط و همکاری با معلم کودک و

هنگام ملاقات با اولیاء مسائل تحصیلی و تربیتی کودک مورد گفت‌وگو قرار گیرد.

- معلمان دورهٔ ابتدایی جمع‌بندی مطالب مورد گفت‌وگو در هر جلسه را به صورت توصیه‌های مشخصی به اولیاء ارائه می‌دهند.

- معلمان دورهٔ ابتدایی ترجیح می‌دهند که نتایج گفت‌وگوی هر جلسه را با توجه به عملکرد کودک و تغییر رفتاری او پیگیری نمایند.

- معلمان دورهٔ ابتدایی انتظار دارند برای تداوم آموزش در منزل، والدین به صورت کمک در انجام تکالیف کودک و تهیهٔ وسایل کمک آموزشی اقدام نمایند.

معلمان مورد پرسش اعتقاد دارند که اولیای موفق دارای ویژگیهایی به شرح زیر هستند:

الف - علاقه‌مندی به مسائل تربیتی و آموزشی فرزند:

۱- رسیدگی به وضع درسی کودک و پیگیری مستمر و کنترل آموزشی و تربیتی فرزندان در منزل.

۲- ارتباط مستمر با آموزشگاه فرزندان و بیان مسائل تحصیلی و تربیتی کودک با معلمان.

۳- درک مشکلات کودک و همکاری با معلم و بیان مسائلی که لازم است آموزگار کودک بداند.

۴- توجه به رفتار و دوستان کودک.

ب- فراهم کردن آرامش در محیط خانه:

۱- احساس مسئولیت والدین و اهمیت دادن به فرزندان و خواسته‌های آنان.

۲- شناخت بیشتر فرزندان و ایجاد ارتباط

شده انجام دهند.

معلمان مورد پرسش انتظار دارند والدین در منزل شرایطی به شرح زیر بوجود آورند تا یادگیری فرزندان بهتر انجام پذیرد:

الف - آماده کردن محیط منزل برای یادگیری بیشتر:

۱- تهیه و در اختیار گذاشتن لوازم مورد نیاز و وسایل کمک آموزشی برای آموزش بهتر دانش آموزان .

۲- اولیاء به هنگام درس خواندن کودک همراه او باشند تا او احساس کند که مورد توجه والدین قرار دارد.

۳- والدین به نحوه انجام تکالیف دانش آموزان در منزل توجه و رسیدگی نمایند، اما از پیش درس را تدریس نکنند.

۴- محیط منزل را به گونه ای تجهیز و آماده نمایند که کودک به راحتی بتواند امور تحصیلی خود را ادامه دهد.

ب - توجه والدین به تربیت همه جانبه کودک :

۱- اولیاء از هیچ فرصتی برای آموزش فرزند خود غفلت نکنند، حتی در گردش و انجام برنامه های روزمره زندگی .

۲- والدین باید برای استفاده کودک از تلویزیون برنامه مشخصی داشته باشند.

۳- باید شرایطی فراهم آورند که کودک در انجام کلیه کارها از جمله انجام تکالیف، مطالعه، بازی و ... از برنامه منظم و زمانبندی مشخصی پیروی نماید.

۴- والدین نسبت به تربیت فرزندان حساس باشند، آنها را به حال خود رها نکنند و سعی

پیگیری خواستها و نظریات آموزگاران در منزل .

۴- هماهنگی با روشهای آموزشگاه و همگونی با نحوه تدریس معلم و شیوه تربیتی آموزشگاه .

۵- اولیاء، تجربیات موفق و سازنده خویش را در جهت هماهنگی و همکاری و تربیت کودک در اختیار آموزشگاه قرار دهند.

ب - همکاری با مدیر و معلم آموزشگاه:

۱- حتی الامکان از کمک مادی و معنوی دریغ نورزند و در تهیه وسایل آموزشی، آموزشگاه را یاری نمایند.

۲- در فراهم آوردن وسایل کمک آموزشی و جوایز دانش آموزان و نیز رفع نیاز مالی آموزشگاه مساعدت نمایند.

۳- مشکلات و ضعفهای درسی کودک را با معلم در میان بگذارند.

۴- به مسائل آموزشگاه اهمیت داده، این مسائل را با مدیر و معلم مدرسه در میان بگذارند.

ج - شناخت کودک :

۱- به مشکلات کودکانی که در خانه با مسائلی روبرو هستند، اهمیت دهند و تا رفع این مشکلات موضوع را پیگیری نمایند.

۲- مشکلات کودک را در دست یابی به اهداف آموزشی بشناسند و با فرزندان خود درباره مسائل درسی مشارکت داشته باشند.

۳- آنچه را که کودک یادگرفته است مورد پرسش قرار دهند و مرور کنند.

۴- نظم در امور را به کودکان بیاموزند و از آنان بخواهند که تکالیف خود را در وقت تعیین

۱- از اولیاء انتظار می‌رود ضمن همکاری با معلم فرزندشان سعی کنند دوگانگی بین خانه و مدرسه بوجود نیاید.

۲- از اولیاء انتظار می‌رود ارتباط نزدیکی با معلم فرزند خود داشته باشند، مشکلات درسی و تربیتی فرزند خود را درک نمایند و برای بهبود آن اقدام کنند و بی تفاوت نباشند.

۳- اولیاء همگام و همدوش با معلم در امر تعلیم و تربیت فرزندشان شرکت داشته باشند و بدانند که تربیت کودک محصول مشترک خانه و مدرسه است.

۴- اولیاء نسبت به وضع تحصیلی و تربیتی کودک و حل مشکلات او حساس باشند.

۵- اولیا در جلساتی که توسط آموزشگاه برگزار می‌گردد شرکت نمایند و در مورد مسائل مربوط به کودکان و آموزشگاه به تبادل تجربیات بپردازند.

ب- تربیت کودکان:

۱- به امور تحصیلی و تربیتی کودک در منزل بیشتر رسیدگی کنند و بر یادگیری و نمرات آنان نظارت نمایند.

۲- شناخت بیشتری از شخصیت و وضعیت روحی و روانی فرزندان خویش داشته باشند و محیط آرام و با محبتی در منزل برای آنان فراهم آورند.

۳- نسبت به تهیه وسایل کمک آموزشی مورد نیاز کودک و همچنین مطالعه کتابهای غیردرسی مناسب توسط او حساسیت داشته باشند.

۴- اولیاء در رسیدگی به مسائل آموزشی کودک لازم است به برنامه‌ها و نظریات معلم توجه داشته باشند.



کنند در تربیت کودک بیشتر از تشویق استفاده کنند.

ج- شناخت بهتر روحیات و تواناییهای کودک:

۱- والدین باید روابط خود را با فرزندانشان چنان صمیمی و مستحکم نمایند که کودک مشکلات خود را با آنان در میان بگذارد.

۲- با توجه به توانایی کودک از او انتظار و توقع داشته باشند و با انتظارات زیاد موجبات حقارت فرزندشان را فراهم نیاورند.

۳- ضروری است اولیاء برای شناخت بهتر روحیات فرزند خود با معلم هماهنگی و مشورت داشته باشند.

۴- هر وقت کودک در درسی نمره‌ای کمتر گرفت، والدین باید به دنبال علت آن باشند.

معلمان انتظار دارند که اولیاء اقدامات زیر را انجام دهند.

الف - همکاری خانه و مدرسه:

است، بنابراین اولیاء پس از رؤیت نمرات و در زیر نمره‌های دانش‌آموزان ابراز نظر و قدردانی نمایند.

۳- با برگزاری جشن پایان تحصیلی در هر آموزشگاه، از زحمات معلمان تشکر نمایند.

۴- بعد از پایان دوره تحصیلی فرزندان نیز ارتباط صمیمی خود را با معلم حفظ کنند.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی نظریات این گروه از معلمان گویای آن است که آنان انتظار دارند والدین و به خصوص مادران برای شناخت بهتر فرزند و حل مشکلات تربیتی دانش‌آموزان بطور مستمر و منظم با معلم کودک خود در ارتباط باشند تا در نتیجه همکاری و به کاربردن توصیه‌های مطرح شده توسط آنان تغییرات مطلوبی در رفتار کودکان بوجود آید.

علاوه بر این آنان انتظار دارند که اولیاء در زندگی روزمره خود و همچنین در رسیدگی به وضع تحصیلی و تربیتی کودک از برنامه منظم و مشخصی پیروی نمایند، ضمن آنکه لازم است اولیاء محیط خانه را با حفظ آرامش و ساماندهی مناسب به کانون تعلیم و تربیت کودک تبدیل نمایند.

همچنین آنان انتظار دارند که تربیت کودک فقط به معلم و آموزشگاه محدود نشود و والدین از هر فرصتی برای آموزش کودکان استفاده نمایند. برای تحقق این امر باید به تناسب و ارتباط آموزشهای خانه و مدرسه توجه گردد.

۱- روان‌شناسی پرورشی، دکتر علی‌اکبر سیف، صفحه ۵۵۵.

۲- دکتر زهرا بازرگان، تحولی در روابط اولیاء و مربیان، مجله پیوند، شماره ۹۱، اردیبهشت ۶۶.

معلمان مورد پرسش انتظار دارند که اولیاء به طرق زیر از زحمات معلمان قدردانی نمایند.

الف - همکاری اولیاء با معلمان :

۱- توجه و پیگیری والدین نسبت به انجام مواردی که از طرف آموزگار مطرح می‌شود، نوعی قدردانی محسوب می‌گردد.

۲- رسیدگی به وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندان و رفع مشکلات آنان در منزل نوعی قدردانی از معلم است.

۳- اولیاء، دانش‌آموز را با شرایط و محیط آموزش و موقعیت معلم آشنا نمایند.

۴- در بیان مشکلات با معلم صادق باشند و توقعات متعارف و در حد اختیار معلم از او داشته باشند.

ب - حفظ احترام معلم :

۱- اولیاء به مقام و منزلت معلم ارج بگذارند و در نزد کودکان برای کار معلم ارزش قائل شوند.

۲- به کودکان یادآوری نمایند که نسبت به زحمات اولیای مدرسه بی‌توجه نباشند.

۳- برخوردهای محبت‌آمیز و رفتارهای درست و منطقی داشته باشند و عجلوانه قضاوت نکنند.

ج - نحوه قدردانی از معلم :

۱- اظهار رضایت لفظی والدین از معلمان برای ابراز تشکر و قدردانی کافی است که می‌تواند با نامه و یا کلمات محبت‌آمیز و حتی الامکان حضوری ادا شود.

۲- موفقیت کودک بهترین تشکر از معلم



ارتباط سالم،

خانواده سالم

رضا فرهادیان

همان‌طور که در شماره گذشته بیان شد، ارتباط سالم و خوب، ارتباطی است که دو طرفه باشد و هر دو طرف بر اساس احترام متقابل و در فضایی مناسب، تبادل افکار و احساسات نمایند، برای یکدیگر ارزش قائل شوند و به نظریات یکدیگر اهمیت دهند، با صمیمیت، مشکلات، غم‌ها و شادی‌ها و انتظارات و آرزوها را با هم در میان بگذارند. این امر در کاهش دردها مؤثر است و در مواقع دشواری و بروز مشکلات، منجر به راه‌حلهای مناسب می‌گردد.

در نظام ارتباطی خانواده، تبادل اطلاعات و احساسات چگونه باید صورت گیرد و برای برقراری یک ارتباط سالم چه باید کرد؟

ارزشمندی که شخصیت یکدیگر را حفظ نموده، احترام متقابل را افزایش دهد، استفاده کنند. کلماتی که در این مناسبات انسانی سبب خواهد شد ارتباط قلبی روز به روز عمیق تر شده، آثار شکوهمند آن به روابط و رفتار محترمانه با فرزندان گسترش یابد. یک نمونه از این کلمات که پیامبر صلی الله علیه و آله توصیه فرموده‌اند چنین است که: اگر کسی به همسرش بگوید: "تو را دوست دارم"، این جمله هرگز از دل او خارج نخواهد شد.

ابراز محبت‌های قلبی، احترام به شخصیت همسر و گفت‌وگوهای مسرت بخش موجب علاقه‌مندی زن به زندگی مشترک، در پرتو ارزش‌های والای اخلاقی و معنوی خواهد شد. چرا که در بنای استوار و مقدس خانواده، زن از شوهر تعهدی محکم و پابرجا گرفته است:

وَأَخَذَنِي مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. ۲۱/نساء
"و زنان از شما عهد و پیمانی محکم

گرفته‌اند."

در این ارتباط مرد، نقش و مسؤولیتی بارزتر به عهده دارد، چرا که قوام دهنده بنای مقدس زندگی خانواده است:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَفْضِهِمْ عَلَى بَفْضِ نَفْسِهِمْ وَبِمَا أَنْتَقُوا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. ۳۴/نساء

"مردان قوام دهنده و عهده‌دار کارهای زنان‌اند. به آن جهت که خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده و از آن جهت که از اموال خود نفقه می‌دهند."

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کرامت و بزرگواری در بدل عواطف و احترام، روابطی گرم و صمیمانه و محیطی سرشار از امید و اطمینان بوجود می‌آورند و می‌فرمایند:

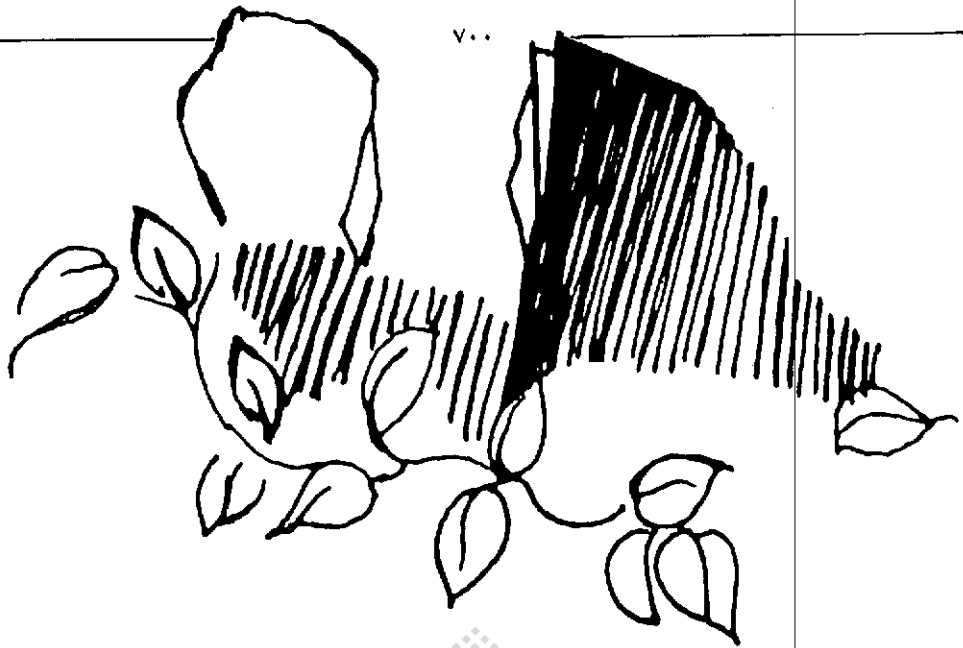
به حرف‌ها و سخنان یکدیگر کاملاً گوش دادن^۱، بزرگواری خطای یکدیگر را نادیده گرفتن^۲، با یکدیگر هم احساس شدن و با احساس همدردی به مبارزه با مشکلات پرداختن، از ویژگی‌های یک خانواده متعادل و با ایمان است. در چنین خانواده‌ای ارتباط زن و شوهر در جو آرام، سرشار از مهر و محبت و مملو از سرور و خوشحالی و توأم با صمیمیت و ارزش‌گذاری به شخصیت یکدیگر انجام می‌پذیرد:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. ۲۱/روم

"و نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما مهر و محبت قرار داد. در این عبرتهایی است برای مردمی که می‌اندیشند."

از مهم‌ترین و با شکوه‌ترین تجلیات ارتباط سالم بین زن و شوهر، روابط گرم و دوستانه فرزندان، در عین حفظ احترام متقابل است که خود مایه آرامش روان و التیام آلام روحی و عاطفی اعضای خانواده می‌گردد.

تلاش برای تبادل عاطفی و اثبات صادقانه علاقه و صمیمیت در جو معنوی که هر یک دیگری را آیت و نشانه الهی و وسیله تعالی و رشد خود حس کند، موجب صمیمیت و پایداری بنای مقدس خانواده خواهد شد و دوام و استحکام این شبکه ارتباطی را تضمین خواهد کرد. آگاهی از شیوه‌های صحیح ارتباط و مبادلات فکری و عاطفی، زمینه‌های روشنی پیش روی هر یک خواهد گذاشت تا روزانه هر کدام از واژه‌ها و کلمات محبت‌آمیز و



خیرکم خیر لاهله و انا خیرکم لاهلی^۴

"بهترین شما خویشتن است برای خانواده‌اش و من بهترین شما هستم برای خانواده‌ام."

فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ
اللَّهُ. د.

"پس زنان شایسته فروتنانی تابع هستند که در غیاب همسر خود، اسرار او را در برابر حقوقی که خداوند قرار داده، حفظ می‌نمایند."

ویژگیهای ارتباط سالم زن و شوهر

۱- بخشی از اوقات خود را در زندگی شبانه‌روزی مخصوص ارتباط با خانواده خود قرار می‌دهند.

۲- در ارتباط متقابل خود با همسر همواره احترام متقابل را حفظ می‌کنند و هر یک وظیفه مجزا و متفاوت به عهده دارند که تکمیل شدن شخصیت خانواده موهون تلاش هر دو است.

۳- در ارتباط کلامی بالحنی محبت‌آمیز و با یتنی خیرخواهانه وارد می‌شوند.

۴- اشکالات و انتقادات را دور از حضور فرزندان بازگو و حل و فصل می‌کنند.

۵- انتقادات، با رعایت احترام، در حد ظرفیت طرف مقابل عنوان می‌شود، به طوری که به حیثیت وی، لطمه وارد نمی‌کند.

۶- انتقاد با اظهار جنبه‌های قوت و تکیه روی نقاط مثبت آغاز می‌شود و زمان و فرصت اصلاح به یکدیگر داده می‌شود.

۷- در ابراز احساسات، انتقادات و ارشادات، شخصیت و عزت نفس فرد همواره حفظ می‌گردد.

۸- طرفین ممکن است از برخی اشتباهات یکدیگر اطلاع داشته باشند، ولی بزرگوارانه آن را نادیده می‌گیرند.^۶

۹- در صورتی که طرف مقابل خطا کار است، این سخن علی علیه السلام را آویزه گوش نموده‌اند که با سکوت او را عقوبت و یا اصلاح کنند:

اعقل الناس من لا يتجاوز الصمت في عقوبة
الجهال.^۷

"داناترین مردم کسی است که در عقوبت ناآگاهان، از سکوت تجاوز نکند."

۱۰- در اظهار انتقاد همواره حس عیب‌پوشی و رازداری را بر اساس: هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ^۸ حفظ کرده، گاهی اوقات سکوت و خاموشی را سازنده‌تر از سخن گفتن می‌بینند.^۹
۱۱- اوقات خوش خانه در ارتباط با یکدیگر، به سخنان و گفتاری که موجب رشد و تعالی شخصیت خود و فرزندان می‌شود، صرف می‌گردد. یکی از لحظات مسرت‌بخش و معنوی یک خانواده در ارتباط سالم، هنگامه نماز است، آنگاه که تمام اهل خانه با دلی آکنده از محبت و سرشار از عشق، روی به درگاه خدا به نماز می‌ایستند و با دلی خاضع و خاشع ندا در می‌دهند:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ

"پروردگارا، مرا و فرزندان مرا از برای دارندگان نماز قرار ده، پروردگارا دعای مرا بپذیر."

از آنجا که مردان در این ارتباط مسئولیت مدیریت خانواده را به عهده دارند، باید از حلم و بردباری و عفو و گذشت بسیار برخوردار باشند، قرآن می‌فرماید:

وَإِنْ تَغْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَتَغَفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ أَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقْ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۱۴-۱۵-۱۶/ تغابن

"و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و از خطاهایشان درگذرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. جز این نیست که اموال و فرزندان شما وسیله آزمایش شما هستند و حال آنکه

پاداش بزرگ نزد خداست. پس تا می‌توانید تقوا پیشه کنید. بشنوید و اطاعت کنید و به سود خود اتفاق کنید و آنان که از حرص نفس خویش در امان مانده‌اند رستگارند."

در هر صورت مدیر خانواده مسئولیت بیشتری در گرمی و شادابی خانواده به عهده دارد و اگر هم گاهی نقاط ضعف و یا اشکالی به ذهنش خطور می‌کند، باید توجه داشته باشد که خداوند در قرآن مردان را این‌گونه راهنمایی و هدایت نموده است:

وَ غَاشِرُوهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. ۱۹/ النساء

با زنان به نیکی رفتار کنید و اگر شما از آنان ناخشنودید، باید توجه داشته باشید که -چه بسا چیزی را شما خوش ندارید و خداوند در آن خیر بسیاری قرار داده است."

البته در این مسیر مسئولیت و تحمل و بردباری و تبعیت زن در مقابل شوهر نیز مورد تأکید واقع شده است.

ویژگیهای ارتباط ناسالم زن و شوهر

- ۱- اصرار و پافشاری در سخن خود
- ۲- دیگری را مقصر و خود را بی‌عیب و نقص دانستن.
- ۳- اصرار و پافشاری بر بی‌گناهی خویش.
- ۴- سرزنش کردن و طعنه زدن.
- ۵- خود را بالاتر از دیگران پنداشتن.
- ۶- مسخره کردن.
- ۷- احساسات طرف مقابل را درک نکردن و احساس همدردی و همدلی نکردن.
- ۸- بالحن نامناسب و خشن سخن گفتن.^{۱۰}
- ۹- همیشه حالت تدافعی به خود گرفتن.



خیارکم لِنسائهم: کاملترین افراد از نظر ایمان، کسانی هستند که اخلاقشان نیکوتر است و نیکوترین شما کسانی هستند که برای زنان خود نیکوترند. رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه: ۴۵۴.

۴- نهج الفصاحه.

۵- ۳۴/ نساء.

۶- من اشرف أفعال الكرم غفلة عما يعلم: "از ارزشمندترین کارهای انسان بزرگوار آن است که از آنچه می‌داند غفلت ورزد."

نهج البلاغه، حکم ۲۲۲

علی علیه السلام در چنین مواردی است که فرموده: لا عقل كالتجاهل، لا حلم كالتغافل. "هیچ عقلی همانند اینکه انسان خود را به غفلت بزند نیست و هیچ بردباری همچون نادانسته پنداشتن نیست." غررالحکم ۷- غرر در آمدی، ۲: ۴۶۵.

۸- زنان پوشش شمایند و شما پوشش آنها بید.

۹- الکلام کالدواء قلیله ینفع و کثیره قاتل: "سخنان همانند دارو هستند، اندک آن سودمند است و زیاد آن کشنده."

علی علیه السلام، غررالحکم، ۲: ۱۵۹.

- رب سکوت ابلغ من الکلام. "چه بسا سکوتی، رساتر از سخن گفتن باشد."

علی علیه السلام، غررالحکم

۱۰- من ساءلفظه ساء حظه: هر کس سخنش بد باشد، بی‌بهره است."

غررالحکم در آمدی، ۵: ۴۶۰

۱۱- أذل الناس من أهان الناس: "پست‌ترین مردم کسی است که به شخصیت دیگری توهین کند."

پیامبر اکرم (ص) بحارالانوار، ۷۵: ۱۴۲

- سنة اللثام قبیح الکلام: روش افراد پست و فرومایه، سخن زشت گفتن است. "غررالحکم

۱۰- انتقاد را با انتقاد پاسخ گفتن.

۱۱- شخصیت و حرمت دیگری را در نظر نگرفتن.

۱۲- توهین کردن.^{۱۱}

۱۳- نقطه ضعف طرف را رو کردن.

۱۴- به جای برخورد مؤدبانه با مشکل، شخصیت مقابل را زیر سؤال بردن.

۱۵- توجهی به سخنان و گفتار طرف مقابل نکردن.

۱۶- نارضایتی را بطور مستقیم با لفظی زننده ابراز کردن.

۱۷- مخاصمه و مجادله و مشاجره کردن.^{۱۲}

۱۸- سوء ظن داشتن.

۱۹- عزت نفس دیگری را مخدوش کردن.

۲۰- نیکی را با بدی پاسخ گفتن.

۲۱- خرده‌گیریهای پیاپی، انتقادهای، تهدیدها، تذکرات مکرر، و اراسی‌کردنها، علت‌یابیهای بی‌مورد، دخالت‌کردن‌های بیجا، و ... همه زمینه‌ایجاد یک ارتباط سالم را بکلی از بین می‌برد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- عَوْ أذْنُک حَسَنَ الاستماع: گوش‌ات را به خوب شنیدن عادت ده. غررالحکم

۲- اشرف خصال الکرم غفلتک عما تعلم: بالاترین صفت شخص بزرگوار نادیده گرفتن آنچه می‌داند، است. بحارالانوار، ۷۳: ۳۰۱

۳- اکمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً و خیائزکم،

اسامی برندگان مسابقه پیوند

- ۱- افسانه دهقانی فارسی - مرو دشت - نیم سکه بهار آزادی
- ۲- سمیه طباطبایی - مشهد " " " "
- ۳- موال قاسمی - زنجان " " " "
- ۴- محمد جواد حیدرا - تهران - ربع سکه بهار آزادی
- ۵- علی سیف السادات - رامهرمز " " " "
- ۶- فاطمه کاظمی پور - بروجن " " " "
- ۷- اسماعیل خدای - بروجن - اشتراک یکساله مجله پیوند + ۴۰۰۰ تومان کتاب از انتشارات انجمن
- ۸- مرضیه ضیایی - نجف آباد " " " "
- ۹- بدریه بهشتی زاده - تهران " " " "
- ۱۰- حمدالله ثنائی - بهبهان " " " "
- ۱۱- شهین رادکانی - کردکوی - اشتراک یکساله پیوند
- ۱۲- محمد رضا تصدیقی - آباده " " " "
- ۱۳- فیروزه گل محمدی سامانی - شهرکرد " " " "
- ۱۴- مدینه شمالی - بندرگز " " " "
- ۱۵- مراد حاصل خادمی - اقلید " " " "
- ۱۶- احمد خسروی - زابل " " " "
- ۱۷- فاطمه ثنائی راد - بیرجند " " " "
- ۱۸- سید مصطفی هاشمی - فلاورجان " " " "
- ۱۹- غلامحسن ترابی - ملایر " " " "
- ۲۰- گوهر تاج عباس زاده - تنکابن " " " "
- ۲۱- قاسم نیک نژاد کوشه - کاشمر " " " "
- ۲۲- معصومه همتی - بوانات " " " "
- ۲۳- ناهید سهرابی - محلات " " " "
- ۲۴- بتول حسینی سمنانی - تهران " " " "
- ۲۵- اسماعیل رمضانی - رشت - کوچصفهان " " " "

از شش نفر اول تقاضا می شود برای دریافت جوایز خود با شماره تلفن های ۲ - ۶۴۹۳۳۴۱ و ۶۴۰۲۶۲۱ تماس حاصل فرمایند. جایزه بقیه برندگان نیز به نشانی آنها ارسال خواهد شد.

۱۲- لا محبة مع كثرة مراء: با مشاجرة فراوان کردن، دیگر محبتی باقی نمی ماند!

علی علیه السلام، غررالحکم

-ایاک و كثرة الخصومات فانها تبعدک من الله.

"بدور باش از مشاجره و جدال بسیار، زیرا آن تو را از خدا دور می سازد."

امام صادق علیه السلام، بحارالانوار، ۷۸: ۲۸۸

بقیه از صفحه ۵۳

- ۲- اعزازي، شهلا، جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۳- امینی، ابراهیم، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۴- توفیقی، حسن و شیخ آزادی، اردشیر، بررسی یکصد مورد مرگ ناشی از خفگی مکانیکی در اثر فشار خارجی برگردن از دیدگاه نشانه شناسی پزشکی قانونی، مجله علمی پزشکی قانونی، سال چهارم، شماره سیزدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۵- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۶- مثنوی، دفتر اول.
- ۷- حسینی (بیرجندی)، سید مهدی، مشاوره در آستانه ازدواج، تهران مؤسسه انتشارات آوای نور، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۸- هی لی، جی، روان درمانی خانواده، ترجمه دکتر باقر ثنائی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰.